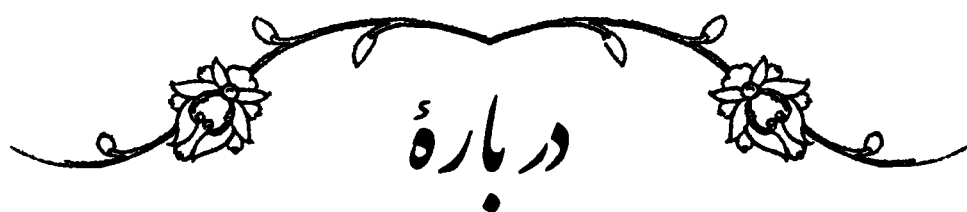


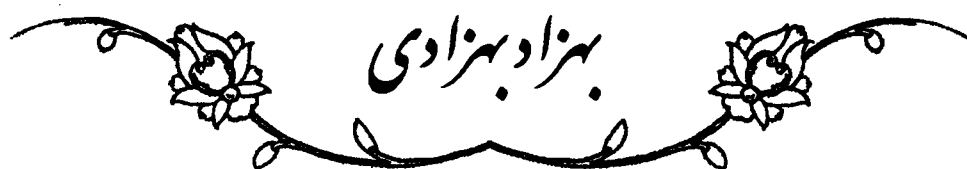
آذری (ضمیمه)

فصلنامه (بین المللی) ترکی - فارسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ادبی و هنری / مهرماه ۱۳۸۳

درباره نگارش زبان آذربایجانی بهزاد بهزادی



نگارش زبان آذربایجانی



آذری

فصلنامه (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی / مجله فرهنگی - اجتماعی - ادبی - هنری

شماره ثبت: ۱۲۴/۳۸۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی

مدیر داخلی: حشمت حافظی

مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیریم)

چاپ و اجرا: چاپ تصویر، نشر نخستین

نشانی: تهران، سعادت‌آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری تجاری سرو،

طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی کد پستی ۱۹۹۷۸۵۵۳۴

تلفن: ۲۰۹۴۹۰۰ فاکس: ۲۳۵۲۲۶۷

Azari_Eldili@yahoo.com

azari@ocaq.net

پست الکترونیکی:

نشانی در اینترنت:

قیمت: پانصد تومان

فهرست

نگارش واژه‌های دخیل در زبان آذربایجانی

- ۱ موضوع مورد بحث
- ۲ مبانی خط آذربایجانی
- ۳ تصرف ایرانی‌ها در رسم الخط عربی
- ۶ یگانگی در نگارش و قواعد املای واحد
- ۸ معیار سنجش
- ۹ نوآوری و عادت کهن
- ۱۱ دگرگونی لغات دخیل
- ۱۷ آموزش و مسئله املا
- ۱۸ خلاصه و نتیجه

ضمیمه

- ۲ درباره نگارش زبان آذربایجانی
- ۵ مقدمه
- ۱۱ اصول و قواعد نگارش
- ۱۹ طرز نگارش لغات آذربایجانی
- ۲۴ طرز نگارش کلمات دخیل
- ۳۰ الفبای پیشنهادی برای آوانگاری
- ۳۲ سس - یازی باره سینده
- ۵۵ چاپغیریش

نگارش واژه‌های دخیل در زبان آذربایجانی

همکاران ثابت «اثر دلیلی و ادبیاتی» مقرر داشتند که موضوع نگارش واژه‌های دخیل به منظور جمع‌بندی از عملکرد و نتایج مورد بررسی مجلد قرار گیرد. یادداشت‌هایی برای ارائه در این جلسات تهیه شده بود، که ماحصل بحث‌ها به زبان فارسی آماده شده و منتشر می‌گردد.

ضمناً نظریاتی که در مقدمه کتاب‌های «آذربایجانجا- فارسجا سۆزلۆک» و «آذربایجان دلی نین یضاحلی لؤغتی» و نیز در نشریه «درباره نگارش زبان آذربایجانی» که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ انتشار یافته و نسخ آن نایاب است، ضمیمه این مقاله انتشار می‌یابد تا مراجعه به آنها سهل‌تر باشد. اگرچه در همین مقاله ناگزیر از تکرار پاره‌ای از نکات مندرج در آن نوشته‌ها هستیم.

موضوع مورد بحث

واژه‌های وارده از زبان‌های دیگر به ویژه از عربی و فارسی به زبان امروز آذربایجانی را چگونه باید بنویسیم؟

درباره این موضوع نظریات مختلفی اظهار شده که در جای خود در این مقاله بدانها اشاره خواهد شد و عمدتاً در این خصوص دو نظر کلی وجود دارد:

۱- لغات دخیل، صرف‌نظر از تعلق آنها به زبان عربی و فارسی و غیره به شکل و هیئتی که در زبان فارسی نوشته می‌شود، در زبان ترکی نیز به همان شکل نوشته شود.

۲- واژه‌های غیرترکی که در زبان آذربایجانی کاربرد دارد جزء کلمات رایج زبان بوده، همان‌طور که از لحاظ تلفظ، دستوری و مفهوم و معنی تابع قواعد زبان آذربایجانی است، در املا نیز باید مطابق قواعد نگارش لغات آذربایجانی یکسان نوشته شود.

نظر غالب این است که مصوت‌های ۹ گانه زبان آذربایجانی با حروف و نشانه‌هایی در متن کلیه کلمات ترکی نوشته شود. ولی در این مورد نیز ملاحظات بحث‌انگیز وجود دارد.

به عبارت دیگر، بحث بر سر این است که مصوت‌های نه‌گانه آذربایجانی را که به نحوی در املا کلمات ترکی می‌نویسیم در لغات وارده نیز به کار ببریم یا نه؟

طرفداران نظریه اول معتقدند که لغات ترکی را می‌توان مطابق ملفوظ آذربایجانی و با دخالت دادن مصوت‌های نه‌گانه نوشت ولی در مورد لغات وارده از زبان عربی و فارسی و غیره، به همان شکلی که در فارسی مرسوم است باید نوشت. نظریه گروه دوم چنین است: در متن همه کلمات اعم از اینکه ترکی و یا غیرترکی باشند، مصوت‌های نه‌گانه آذربایجانی را باید به کار برد.

مبانی خط آذربایجانی

پایه خط مورد قبول هر دو گروه خط عربی است، با اصلاحاتی که بر حسب ضرورت در زبان فارسی در آن به عمل آمده است. و به اضافه اصلاحاتی که برای نوشتن درست زبان آذربایجانی به ویژه برای نشان دادن مصوت‌ها باید صورت گیرد. بعضی از طرفداران گروه اول با به کارگیری اصطلاح «خط قرآنی» در رد نظریه «آوانگاری» چنین شبهه‌ای را ممکن است در اذهان ایجاد کند که گویا شیوه «آوانگاری» پیشنهادی گروه دوم مغایر با «خط قرآنی» است. ما این دوستان را می‌شناسیم، چنین القائات غیرعلمی و غیراصولی را در شأن آنها نمی‌دانیم. ولی برای رفع شبهه توضیحات زیر ضروری است: صاحب‌نظرانی هستند که بنا به دلایلی به کار بردن خط لاتین را توصیه می‌کنند. ما به دو دلیل وارد این بحث نمی‌شویم: اول اینکه، شرایط سیاسی موجود در کشور ما مطلقاً مساعد با طرح این مسئله نیست.

دوم - امتیاز عمده الفبای لاتین در این است که مصوت‌ها هم با حروف خاص نوشته می‌شوند. ما برای رفع این نقصان در خط عربی با تعیین حرف بر پایه خط عربی برای صایته‌ها، این خلا را پر کرده‌ایم، به نحوی که با این اصلاح می‌توان در نگارش کلمات در زبان آذربایجانی همه صداها را وارد پیکره کلمه نمود. بدین طریق ایراد موجود در الفبای عربی مرتفع می‌گردد.

در پاره‌ای از نوشته‌های گروه اول ضمن رد نظریه طرفداران خط لاتین به استناد لزوم «رسم‌الخط قرآنی»، طرفداران نظریه «آوانگاری» را با طرفداران گذر به خط لاتین در یک ردیف قرار می‌دهند.

ما به اتکا دلایل علمی و عینی به درستی نظریات خود را تأکید می‌کنیم:

مرور اجمالی به مراحل تکامل رسم الخط زبان عربی که با تفصیل نیز در مقدمه «آذربایجان دیلی نین یضاحلی لوغتی» آمده، ضروری است.

«قرآن مجید» به صورت کتبی نازل نشده، و هیچ خطی را به رسمیت اعلام نداشته است. نزول آن لفظی بود که بعداً با خط کوفی به تحریر درآمد. و لذا چیزی به نام «رسم الخط قرآنی» نمی تواند صحیح باشد. مگر آن که بگوییم رسم الخط فعلی عربی به مرور زمان و در انس و عادت چنین تصور شده است. در هر حال خط کوفی ۲۲ حرف صامت داشته و فاقد حرکه و نشانه‌ای برای صایت‌ها بوده است.

قرائت درست متن «قرآن کریم» از واجبات است. برای نیل به این مقصود در قرون بعدی با افزودن نقطه و حرکه و تدوین قواعدی برای نشان دادن چند صوت صدا دار دگرگونی اساسی در رسم الخط عربی به وجود آمد.

ایرانی‌ها حروف «پ، چ، ژ، گ» را که در زبان عربی کاربرد نداشت و لذا در ردیف الفبای عربی نیامده بود، بر حسب ضرورت برای نوشتن زبان فارسی با خط عربی، با افزودن نقطه و سرکش بر پایه خط عربی ابداع کردند. به این ترتیب نه تنها گناهی مرتکب نشدند، بلکه الفبای عربی نیز غنی‌تر و برای نوشتن زبان فارسی آماده گردید.

اینک ما آذربایجانی‌ها بر حسب مقتضیات زبان ترکی با تعیین حروف صایت مورد نیاز زبان مادری بر پایه خط عربی و افزودن علائم مشخصه و نوشتن آن حروف در جای خود در کلمات، گام دیگری برمی داریم که خط عربی را تقویت نموده و آن را برای رعایت اصل «تطابق ملفوظ با مکتوب» آماده می‌سازد.

این تحول اساسی و بس گران بها در تکامل خط عربی است که با دخالت دادن حروف صایت در نگارش زبان آذربایجانی، اصل «تطابق ملفوظ و مکتوب» سهولت یادگیری املا را تأمین می‌کند. ابتکاری است که با تعمیم دادن آن در نگارش زبان آذربایجانی، می‌تواند تحول مشابهی در نگارش سایر زبان‌ها که بر پایه خط عربی است، راهگشا باشد.

تصرف ایرانی‌ها در رسم الخط عربی

مبادله لغت بین زبان‌های مختلف، از طریق معتقدات دینی، روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی،... واقعیت مسلمی است. و این اصل که لغات وارده تحت تأثیر

زبان میزبان از قواعد دستوری آن (قواعد آوایی، صرف و نحو) پیروی می‌کند، نیز مورد تأیید زبان‌شناسان است.

مبادله لغت بین زبان‌های عربی و فارسی و ترکی رایج بوده و البته لغات وارده از زبان عربی به دو زبان دیگر به علت جذبه و قدرت دینی و قرن‌ها حاکمیت عرب‌ها فوق‌العاده بوده است.

ایرانی‌ها با قبول خط زیبای عربی علاوه بر افزودن چهار حرف «پ، چ، ژ، گ» به الفبای عربی بنا به مقتضیات زبان فارسی، تغییراتی در املاي آن داده‌اند، به ویژه در دهه‌های اخیر که تحصیل به زبان فارسی در ایران عمومی شده، افزایش انتشار مطبوعات و کتب و گسترش سایر رسانه‌های عمومی، و توده‌ای شدن سوادآموزی ... دگرگونی‌های فراوانی در رسم‌الخط لغات دخیل عربی داده و آن را تا حدودی منطبق با احتیاجات و مقتضیات زبان فارسی نموده‌اند. به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: (در سمت راست رسم‌الخط عربی در سمت چپ نگارش فارسی آمده است).

- قرآن / قرآن

- وضو / وضو

- صلوة / صلات

- زکوة / زکات

- حیوة / حیات

- وزراء / وزرا

- انشاء، املاء / انشاء، املا

- عباء، هواء / عبا، هوا

- ابتداء، انقضاء / ابتدا، انقضا

- مسائل، شمائل / مسایل، شمایل

- عوائد، فوائد ... / عواید، فواید

- آئینه / آینه

- مملو / مملو

- تکافوء / تکافو

- قضاة، دواة / قضات، دوات

- اعلی، مبتلی، تماشی.... / اعلا، مبتلا، تماشا

- غفلة، دفعة / غفلتا، دفعتا

- عادة، حقیقه / عادتا، حقیقتا

- رحمن / رحمان

- اسمعیل / اسماعیل

- اسحق / اسحاق

پاره‌ای از این کلمات به تعبیری مخصوص رسم الخط قرآن است که هم عرب‌ها و هم ایرانی‌ها آن را به صورت دیگر می‌نویسند (رجوع کنید به صفحه ۱۷۳، مقدمه لغت‌نامه دهخدا).

در املاي زبان فارسی هم در طی قرون تحولاتی صورت گرفته است. مقال:

بود / بود

طهران / تهران

مقنطیس / مغناتیس

اصطخر / استخر

طپانچه / تپانچه

طوس / توس

لغات وارده از زبان‌های فارسی و آذربایجانی به زبان عربی نیز مطابق گویش عربی دگرگون شده است:

- تبدیل گ به ج: بزرگمهر / بوذرجمهر

زنگان / زنجان

- تبدیل پ به ب و ژ به ز و ج به ج: آذربایگان ← آذربایجان

همه این شواهد نشان‌دهنده این است که کلمه دخیل تابع قواعد دستوری زبان میزبان است و در کتابت نیز این دگرگونی خود را نشان می‌دهد.

اگر همه مصادیق نمونه‌های فوق‌الذکر مربوط به تغییرات املائی کلمات دخیل در زبان فارسی را برشماریم و دگرگونی‌های املائی فارسی را بر آن بیفزاییم، خواهیم دید که چهره املائی فارسی در مقایسه با املائی عربی و حتا با املائی قدیم‌تر فارسی در مقیاس کلی تغییر یافته است.

پژوهشگران زبان فارسی لزوم این تغییرات را تصدیق نموده و آن را نشانه استقلال زبان فارسی و حفظ هویت زبان فارسی دانسته‌اند. (برای اطلاع از نظریات این پژوهندگان به مقالات ضمیمه مراجعه فرمایید).

بررسی زبان آذربایجانی نیز صحت این اصول دگرگونی در تلفظ و لزوماً نگارش آن را تأیید می‌کند. بخصوص «قانون هماهنگی اصوات» در زبان آذربایجانی امروز با قدرت فوق‌العاده، عام و استثناناپذیر و قانونمند خود کلمات دخیل را در سیطره قواعد خود دگرگون می‌سازد. که باید در نگارش نیز انعکاس خود را باز یابد.

یگانگی در نگارش و قواعد املاي واحد

چندگونگی در املاي امروزي زبان آذربایجانی حادثه‌ای ناخوشایند و دغدغه‌انگیز است. مقصود و کوشش همه از بین بردن این چندگانگی و یافتن راه‌حلی برای نیل به تنظیم قواعد املاي واحد است. وضع آشفته کنونی نتیجه آگاهی به نارسا بودن املاي کنونی بوده و دوره گذرایی است که در نتیجه تلاش آگاهانه کوشندگان در راه اعتلای زبان آذربایجانی به ثمر خواهد رسید.

وحدت و یگانگی در شیوه و قواعد نگارش مربوط به یک زبان است و نه دو یا چند زبان مختلف. اشتباه است اگر افرادی یگانگی در املاي دو زبان را پیش بکشند. این امر شدنی نیست و مقایسه املا در دو زبان و طرد دوگانگی املا در بین آنها معقول و منطقی نمی‌باشد. مثال‌هایی که در بالا در مبحث تصرف ایرانیان در املاي زبان عربی گفتیم این حقیقت را نشان می‌دهد.

ولی در زبان فارسی این یگانگی در نگارش ممکن است و باید باشد. در زبان فارسی قاعده این است که «ة» (ت گرد) عربی در نوشتار فارسی به «ت» تبدیل می‌شود. یا همزه‌های آخر کلمات عربی که در فارسی تلفظ نمی‌شود در املا نیز حذف شود....

و یا حروف مختص کلمات عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع) در کلماتی که ریشه فارسی دارند به کار برده نشود و اگر در گذشته مرسوم بوده، متروک گردد....

این قواعد در زبان فارسی عمومیت می‌یابد و املاي واحد را به وجود می‌آورد. در حالی که اختلاف و دوگانگی بین املاي کلمات دخیل عربی در زبان فارسی و طرز املاي آن واژه‌ها در عربی باقی است.

در نگارش زبان آذربایجانی نیز یگانگی در شیوه و قواعد املای زبان آذربایجانی است. لغات دخیل هم عضو زبان میزبان محسوب می‌گردند و از حقوق و تکالیف دستوری زبان میزبان تبعیت می‌کنند. به این چند لغت توجه فرمایید:

املای فارسی آوانگاری ترکی تلفظ دو حرف اول

ترکی	فارسی		
Məh	Məh	محبوب ^۱	محبوب
Mah	Məh	ماحال	محال
Meh	Meh	منحراپ	محراب
Möh	Meh	مؤحنت	محنت
Məh	Moh	محبّت	محبت
Müh	Moh	مؤحاریبه	محرابه
Möh	Moh	مؤحکم	محکم

در کلمات اختیاری و نمونه دو حرف اول در فارسی «مح» نوشته شده و حرف اول بر حسب مورد با سه صدای کوتاه ' خوانده می‌شود. در زبان آذربایجانی هجای اول این هفت کلمه با ۶ مصوت تلفظ می‌شود.

اگر ما این کلمات را با شکل املای فارسی در آذربایجانی بنویسیم، باید دو حرف «مح» را با ۶ صایت مختلف بخوانیم. حل این معما فقط به این صورت خواهد بود که با تمرین‌های مکرر تلفظ لغت، هیئت مکتوب آن، معنای آن را به حافظه بسپاریم و در هر مورد نه از شکل کلمات نوشته شده بلکه از حافظه کمک بگیریم. و اگر این شکل را درباره هزاران لغت دخیل به کار ببریم، دشواری‌ها سر به فلک می‌زند. طبعاً این شیوه سماعی کهنه شده است.

اگر ۹ حرف مصوت را در کلمه بنویسیم، خواندن و نوشتن آن نیازی به تفکر و مراجعه به حافظه نخواهد داشت.

مسئله دیگر در این زمینه را بررسی می‌کنیم:

^۱- کلمه ابتدا به ساکن در آذربایجانی نداریم و چون بعد از حرف اول مصوت‌ها با حرف مشخص نوشته می‌شود، لذا در آوانگاری اگر بعد از حرف اول کلمه مصوت نوشته نشده باشد، با فتحه خوانده می‌شود.

در نوشتار مرسوم کلمات زبان آذربایجانی کم و بیش مصوت‌ها (اگر چه با نشانه‌های متفاوت) در کلمه وارد می‌شود و نوشته می‌شود. یعنی «ؤ، و...» را می‌نویسیم. و مصوت «ؤ» را قبول کرده‌ایم. کلمه ترکی را با استفاده از این مصوت می‌نویسیم: گؤز اگر کلمه دخیل عربی را در ترکی هم به شکل املائی فارسی آن بنویسیم: (محکم) مصوت آن مستتر باقی خواهد ماند. یعنی مصوتی را که قبول کرده‌ایم، نمی‌نویسیم...

هزاران لغت دخیل در زبان آذربایجانی، اگر به شکل املائی فارسی نوشته شوند در حالی که متقابلاً ده‌ها هزار کلمات ترکی با دخالت حروف مصوت نوشته شوند، دوگانگی املا در زبان آذربایجانی اسف‌انگیز خواهد بود.

در این صورت طبعاً زبان آذربایجانی که مفتخر است یکی از زبان‌های باقاعده دنیاست، با قبول دوگانگی در املا، «هزوارش» دو هزار سال پیش را به یاد خواهد آورد. از سوی دیگر با نوشتن کلمات وارده به شکل املائی فارسی، مشکلات و نارسایی املا در آن زبان را وارد زبان مادری خواهیم کرد.

در زبان فارسی علاوه بر اینکه اغلب مصوت‌ها مستتر است، آنچه که هم نوشته می‌شود مغشوش است: «خود، خدا» (خوؤ، خوؤدا) و یا نوشته‌ای به شکل «خود» تلفظ و معانی مختلف دارد: «خوؤ، خود». بنابراین برای ایجاد وحدت و یکسانی در طرز نگارش زبان آذربایجانی باید قاعده «جامع و مانع» به کار برد.

خلاصه اینکه برای ۹ مصوت حرف مشخصی معین کرد و آن را در داخل کلمه نوشت. این قاعده برای لغات خودی و دخیل یکسان حاکم خواهد بود.

معیار سنجش

هر زبانی از لهجه‌های مختلفی تشکیل شده است. لهجه‌ها یا مختص یک منطقه و یا گروهی از افراد طایفه و عشیره است. زبان ادبی در مراحل تکوین و تکامل از اختلاط این لهجه‌ها و با سلطه یک لهجه شکل می‌گیرد که زبان ادبی و یا زبان معیار نامیده می‌شود. و از طرف دیگر زبان معیار همه کسانی که با لهجه‌های مختلف به آن زبان مکالمه می‌کنند به عنوان زبان عمومی پذیرفته می‌شود و لغات دخیل نیز به شکلی که در زبان ادبی، بر اساس قواعد زبان پذیرفته شده، عضو زبان معیار است. زبان معیار در مراحل تکامل خود تطور و تحول می‌یابد.

معیار سنجش، زبان ادبی است.

مثال: در زبان فارسی «نماز» درست است و در زبان آذربایجانی «ناماز». برخی منشا لغات وارده را معیار سنجش قرار می‌دهند. اگر کسی در زبان فارسی «زکوة» عربی را «زکات» بنویسد او را خطاکار می‌دانند. در حالی که در فارسی «زکات» مطابق زبان معیار است. کلمه «مهر» فارسی در زبان ادبی آذربایجانی «مؤهۆر» است. به هیچ طریقی «مهر» را نمی‌توان «مؤهۆر» خواند.

نوآوری و عادت کهن

گاهی برای نوشتن کلمات دخیل در آذربایجانی با هیئت کتابت فارسی چنین استدلال میکنند که چون تحصیلات ما به زبان فارسی بوده و چشم و حافظه ما به شکل املائی این کلمات عادت کرده است، لذا این لغات دخیل را به همان شکل فارسی بنویسیم، سهل‌تر خواهد بود.

این دلیل تراشی درباره تحصیل کرده‌های دیپلم و به بالا می‌تواند صدق بکند. ولی قواعد املائی برای این عده از روشنفکران تصویب نمی‌شود. بلکه برای عامه مردم و اطفال نوآموز اتخاذ تصمیم می‌شود و خود این گروه از روشنفکران هم در صورت دقت نظر با به کار بردن ۹ علامت مصوت در کتابت با راه‌حل یکنواخت کردن نگارش آذربایجانی آگاهانه موافقت خواهند کرد. و کسب مهارت در به کار بردن مصوت‌ها در کتابت برای این گروه از تحصیل کرده‌ها در اندک زمان میسر است.

نوشتن کلمات دخیل به شیوه فارسی در زبان آذربایجانی معضلی است برای نوآموزان، سوادآموزان و توده‌های کم‌سواد. اینها منشا لغات را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که ریشه لغت مورد نظر عربی، فارسی و یا... است و نمی‌دانند در آن زبان‌ها و یا فارسی چگونه نوشته می‌شوند. این گروه که اکثریت زبان‌آموزان را تشکیل می‌دهند از «قانون هماهنگی اصوات» و قواعد دیگر زبان مادری آگاهی ندارند که بگوییم حروف مصوت را «در صورت لزوم» با علامت مشخصه نشان بدهیم و یا فقط در هجای اول به کار ببریم...

برای این گروه باید فکری کرد. مخاطب هر قاعده‌ای باید این گروه باشد. به شرایطی باید اندیشید که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، خواسته ترک‌زبانان ایرانی جامه عمل بپوشد و در سه کلاس و یا در مقطع ابتدایی تدریس فقط به زبان آذربایجانی باشد و زبان فارسی و عربی در مقاطع بالاتر جز دروس اجباری تدریس شود. در این صورت چگونه به نوآموز تفهیم خواهیم کرد که مثلاً نصف

کلمات را با قاعده‌ای که مصوت‌های آن مشخص است بنویس و نصف دیگر کلمات را با املایی بی‌قاعده؟!

هر اندازه تحصیلات و سواد همگانی شود، زبان به سادگی میل می‌کند و در زمینه املا نیز این اصل یک ضرورت است و باید راه‌حل‌های نوین علمی و منطقی و مطابق با مقتضیات زبان مادری اندیشید.

واپسگرایی، و در جا زدن در بند عادت و سنت‌های کهنه و مغایر با احتیاجات زبان محکوم به شکست است.

روزی افتتاح مدرسه به سبک جدید از طرف رشدیه و زمانی دیگر شعر نو نیمایی با مقاومت‌های جانکاهی مواجه شد. رشدیه را تکفیر کردند و ملک‌الشعرا عصر، نیما را محکوم و طرد کرد. امروز در هر ده مدرسه‌ای دایر است و شعر نیمایی راه خود را باز کرده است.

روشنفکران روشن‌بین ما ضرورت‌ها را تشخیص خواهند داد و برای یکنواخت کردن املا با قاعده زبان آذربایجانی سهل‌ترین راه عملی و منطقی را معمول خواهند ساخت.

آیا اصلاح خط موجب گسیختگی ارتباط ما با گنجینه ادبیات گذشته خواهد بود؟

دوستی اظهار نظر می‌کرد که تبدیل خط عربی به خط لاتین در بعضی از کشورها باعث شده که نسل موجود نتوانند از گنجینه ادبیات مکتوب گذشته خود استفاده کنند، به طور ضمنی اصلاح خط عربی را نیز دارای چنین عواقبی تلقی می‌کرد. نسخ خطی که از گذشتگان باقی مانده معدود است و در دسترس همگان قرار ندارد و استفاده مستقیم از این نسخ خطی هم کار همه کس نیست. معمولاً پژوهشگران دانشمند آنها را بررسی و تصحیح و تنقیح کرده، افتادگی‌ها، لغزش‌ها و سهل‌انگاری کاتبان را اصلاح نموده و سپس با املاي امروز چاپ کرده و در دسترس علاقمندان قرار می‌دهند و به این طریق نسل موجود از گنجینه ادبی گذشتگان بهره‌مند می‌گردد. تصحیح متون گذشته بر عهده متخصصین فن است، معذک ما شاهد هستیم قرائت‌های مختلف از یک شعر به وسیله پژوهشگران ارائه می‌شود. آثار حافظ و نظامی و فاضلی و... به این طریق به دست ما می‌رسد.

کتاب دده قورقوت، شاهکار ادبی ترکی را در نظر بگیریم. از نسخه منحصر به فرد درسدن دو متن در ایران به زبان ترکی چاپ شده است. تفاوت این متن‌ها قابل توجه است. در هر یک از این کتاب‌ها صفحه‌ای از نسخه خطی کلیشه شده، خواندن این فتوکپی آسان نیست. قرائت‌هایی که از طرف دانشمندان قورقوت‌شناس مشهور مانند بارتولد، آراسلی، گۆک‌یای، محرم ارگین و سایرین شده و در آنها اختلاف قرائت وجود دارد. پاره‌ای لغات کهنه و مطرود را با لغات مأنوس جانشین ساخته‌اند. واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب آورده‌اند و برای اینکه کتاب برای همه قابل استفاده باشد، متن کتاب را به زبان ادبی معاصر بازنویسی و چاپ کرده‌اند.

اصولا املا و انشای هر زبانی در گذر زمان تغییر و تطور می‌یابد و چهره آن دگرگون می‌شود. مثلا نوشتن حروف خاص عربی در کلمات فارسی رواج داشته، امروزه متروک شده و واژه‌ها و اصطلاحات زیادی از رده خارج گردیده و واژگان جدیدی در زبان پدید آمده، جمله‌بندی و طرز بیان به سادگی گراییده است.

نوشتن صایته‌ها در کلمات تغییری در معنا و مفهوم نمی‌دهد. و چون آموزش زبان فارسی هم اجباری خواهد بود، قرائت شکل قدیمی املائی متون قدیمی برای دارندگان تحصیلات عالی مشکل نخواهد بود.

تأکید می‌کنم که استفاده مستقیم از متون قدیم در تخصص کارشناسان و دارندگان تحصیلات عالی است که مایه این کار را دارند و توده مردم از متن چاپی این آثار با املائی مرسوم روز استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر قرائت متون گذشته در هر حال، چه خط اصلاح شود و چه نشود، مشکلات خود را دارد که حل آن به تلاش کوشندگان و محققان بسته است و به موضوع خط ارتباط پیدا نمی‌کند.

دگرگونی لغات دخیل

زبان‌شناسان عقیده دارند که لغات وارده عضو زبان میزبان می‌گردد و از قواعد دستوری (قواعد مربوط به آواشناسی، صرف و نحو) زبان میزبان پیروی می‌کنند. به قول استاد بهمنیار لغات عربی وارده به زبان فارسی «از ریشه خود جدا می‌شود» و «خواص عربی خود را از دست می‌دهد».

به عبارت دیگر این لغت نمی‌میرد، بلکه از ریشه قواعد زبان میزبان تغذیه می‌کند و رشد جدیدی را آغاز می‌کند.

مثلا کلمه «عقل» در زبان آذربایجانی «عاغیل» تلفظ و نوشته می‌شود. «ق» تبدیل به «غ» می‌گردد و حرف مصوت «یه» بین دو کلمه ساکن قرار می‌گیرد. این تغییرات طبق قواعد آوایی زبان آذربایجانی الزامی است.

ماده این لغت پس از آنکه هویت ترکی گرفت، با پذیرش پیوندها مانند هر کلمه آذربایجانی اشکال مختلف به خود می‌گیرد و معانی معینی را افاده میکند: عاغلا باتان، عاغیللی، عاغیللی‌لیق، عاغلی آزاماق، آغلینئی ایتیرمک، عاغیلسیز (لیق)، عاغیلسیزلاشماق و...

دگرگونی لغات وارده به زبان آذربایجانی در آسیاب «قانون هماهنگی اصوات» آذربایجانی که یکی از ممتازترین مشخصه‌های زبان ترکی است و ریتم و موسیقی تلفظ آهنگین زبان را تنظیم میکند، دگرگون شده و با آمیختن با کره و شکر «پیوند»ها، این معماران توانمند زبان آذربایجانی، انواع شیرینی‌های خوشمزه را آماده می‌سازند. این شیرینی «عربی» نیست، آذربایجانی است.

به منظور نشان دادن کثرت این دگرگونی در لغات وارده و مشکلاتی که در املا ایجاد می‌کند، تعداد بیشتری مثال می‌آوریم. این مثال‌ها منحصر به تغییرات در ماده اصلی لغت بوده و برای پرهیز از اطناب مطلب از تغییراتی که پیوندها به وجود می‌آورند، صرف‌نظر می‌گردد:

- حرف «ق» در کلمات فارسی وجود ندارد و اگر از طریق زبان عربی و ترکی در ردیف القبای فارسی قرار گرفته، تلفظ آن مثل «غ» است. در فرهنگ معین حروف لاتین به کار برده شده برای نشان دادن تلفظ صحیح واژه‌ها برای این دو صامت یک حرف لاتین به کار می‌رود، اما در زبان آذربایجانی این دو صامت در دو گروه مختلف قرار می‌گیرند. «ق» صامت نیمه‌طنین‌دار، پسین‌کامی و انفجاری است و «غ» صامت طنین‌دار، پسین‌کامی اصطکاکی است. تلفظ این دو صامت متفاوت و مشخص است.

بنا به قواعد آوایی زبان آذربایجانی حرف صامت «ق» در بین دو مصوت به «غ» تبدیل می‌شود، یعنی تلفظ آن تغییر میکند. مثل: باشماق ← باشماغی، کلمه عربی «عقل» هم به تبعیت از این قانون «عاغیل» می‌گردد.

از طرف دیگر در زبان آذربایجانی صامت «غ» در اول کلمه نمی‌آید و اگر کلمه وارده با «غ» شروع شده باشد، در آذربایجانی «غ» به «ق» بدل می‌گردد. غنیمت ← قنیمت.

- در لغات وارده که دو صامت پشت سر هم قرار داشته باشد، طبق تداول آذربایجانی بین دو صامت یک حرف صایت اضافه می‌شود و باید در کتابت هم مشخص شود.

عقل ← عاقل، ببر ← بیبر، پودر ← پودور، تخم ← توخوم، قلع ← قلائی، قفل ← قیفیل، بذر ← بذیر، نقل ← نوغول...

- تبدیل «آ» به «و»، «ا»: طاووس ← توؤوز، چنگال ← چنگل.

- تبدیل «آ» به «آ؛ ی، ی»: کلاف ← کالاف، آدم ← آدام، اذان ← آذان، جوان ← جاوان، آشپز ← آشپاز، بهانه ← باهانا، کافر ← کافیر، شفاهی ← شیفاهی، فراوان ← فیراوان، فندق ← قیندیق، کاغذ ← کاغیذ.

- تبدیل «ا» به «آ، و، ی، ی»: پارچه ← پارچا، مهمیز ← ماهمیز، مرشد ← مورشود، اجاره ← ایجاره، اذن ← ایذین، امام ← ایمام، املا ← ایمل، باطل ← باطیل، کتاب ← کیتاب، تالش ← تالیش، شاطر ← شاطیر، بریان ← بۆریان، پسته ← پۆسته، احتکار ← اثحتیکار.

- تبدیل «و» به «ۆ، و، ی، ی»:

کوچه ← کۆچه، کوره ← کۆره، دوست ← دۆست، کور ← کۆر، کوک ← کۆک، شرور ← شیرر، کاهو ← کاهی.

- تبدیل «و» به «ا، و، و، ی، ی»:

اولاد ← ائولاد، مراد ← مۆراد، مردار ← موردار، استاد ← اوستاد، اجرت ← اؤجرت، بلبل ← بۆلبۆل، تند ← تۆند، گل ← گۆل، مبارزه ← مۆباریزه، مسافر ← مۆسافیر، بهتان ← بۆهتان، بحران ← بؤحران، کمک ← کۆمک، نازک ← نازیک، مرده‌شور ← میرده‌شیر، قفل ← قیفیل، گلوله ← گۆلله.

- تبدیل «ی» به «ا، و، ی»:

کرسی ← کۆرسۆ، پیشه ← پئشه، پیشکش ← پئشکش، میخ ← میخ، ناشی ← ناشی،

- حذف تشدید:

مروت ← مۆروت، مظنه ← مظنده (مزنده)

- تغییر شکل یا تحریف واژگان وارده:

آبرو ← آبر، احمق ← آخماق، آسان ← هاساند، بالش ← بالئینج، وصال ← بابال، بدیهه ← بدیته، بخیل ← پاخیل، پشیمان ← پئشمان، رشته ← اریشته، زیرک ←

زیرنگ، سبک ← سبک، طمع ← تاماه، طویل ← تویله، ترک کردن ← ترگیتمک، ظلم ← ظولۆم، عمر ← عۆمۆر، عیب ← آئیب، غذا ← قیدا، فعله ← فهله، فقیر ← فاغیر، فایده ← فایدا، قضا ← قادا، قلعه ← قالا، دفعه ← دفه، مسئول ← مسول، کتیرا ← کیتره، کلوچه ← کۆلچه، گوگرد ← گۆگۆرد، لعاب ← لۆغاب، متاع ← ماتاه، مسجد ← میچید، وقت ← واخت، مهر ← مۆهۆر.

واژگان ترکی که در زبان فارسی به کار برده می‌شود، اگر در آذربایجانی به تقلید املائی فارسی نوشته شود، نقض غرض است و اگر مطابق زبان معیار آذربایجانی نوشته شود، به نظر طرفداران گروه اول دوگانگی در املائی فارسی و آذربایجانی به وجود می‌آید: چپ ← چوبوق، اجاق ← اوْجاق، خانم ← خاتیم، ایل ← ائل...

این رشته سر دراز دارد و ما به همین نمونه‌ها بسنده می‌کنیم. محاسبه مصادیق این دگرگونی‌ها ما را به تفکر وادارد و کثرت آن را اشکار می‌سازد. فقط به شرط قربانی کردن قواعد دستوری زبان مستقل و قانونمند آذربایجانی می‌توان واژگان وارده را با املائی منشا آنها و یا املائی فارسی نوشت.

خواندن این لغات با شیوه تلفظ آذربایجانی معمای دیگری است. نقل را نۆغول، گلوله را گۆللّه، متاع را ماتاه، قفل را قَفِیل و... واژگانی که در بالا آورده شده، نمی‌توان با املائی فارسی نوشت ولی مطابق تلفظ آذربایجانی خواند و بالعکس.

می‌گویند ما اگر این کلمات را به همان شکل املائی فارسی بنویسیم، هر آذربایجانی آن را مطابق تلفظ ترکی خواهد خواند. اولاً چنین نیست و دگرگونی در اغلب واژه‌های دخیل آن قدر عمیق است که چاره‌ای نیست که آن نوشته را با تلفظ فارسی بخوانند و زیان آن به زبان ما معلوم است. ثانیاً چه اجباری وجود دارد که کلمه را به شکلی بنویسند که خواننده آن را غلط تلفظ کند و مورد تمسخر قرار گیرد!

با توجه به گستردگی کلمات دخیل و الزام به نوشتن آنها به شکل املائی فارسی و نوشتن نیمی دیگر که کلمات آذربایجانی است، با آوانگاری، دوگانگی در املائی زبان واحد که گرفتارش هستیم، ادامه خواهد یافت.

یکی از دلایل طرفداران نوشتن کلمات وارده با املائی فارسی این است که قبل و بعد از سال ۱۳۲۰ و به ویژه در دوره حکومت ملی هم همین رویه مرسوم بوده است.

این درست است و نیازی به ردیف کردن اسامی نویسندگان آن نیست. شاهد زنده آن نویسنده این مقاله است که در رزونامه‌های آذربایجان و بشیر آینده در سال‌های ۱۳۳۰ روش دوره حکومت ملی را ادامه می‌دادیم.

در سال‌های قبل از مشروطیت به علت سلطه زبان عربی، زبان فارسی هم در مقابل آن سر فرود آورده بود.... بعد از سال ۱۳۲۰ اگر چه آزادی نسبی به وجود آمد، ولی مدت آن کوتاه بود و کادر کم. همین قدر که همزه را به جای کسره و «ه» غیر ملفوظ را برای فتحه و به ویژه حرف «و» را وارد املا کردند، کار بزرگی بود. به علاوه در دوره حکومت ملی حتا از استعمال لغات ادبی ترکی تعددا خودداری می‌کردند تا بهانه به دست مفتریان ندهند که بگویند اینها «تجزیه‌طلب» هستند.

پس از انقلاب اسلامی آزادی بیشتری برای انتشار مطبوعات و کتاب به زبان آذربایجانی داده شد و حقوق ملی اقوام طبق قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. گسترش مطبوعات چندگونگی و مغشوش بودن نگارش را آشکار ساخت و بحث تنویر و نظری در این زمینه آغاز گردید.

نظریه چند تن از شخصیت‌های صلاحیت‌دار را خاطرنشان می‌سازد:

دکتر حمید محمدزاده طرفدار آوانگاری کلمات ترکی بود و واژگان دخیل را به شکل املای فارسی می‌نوشت. ایشان درباره آوانگاری در مقدمه کتاب «آذربایجانجا- فارسیجا سۆزلۆک» می‌نویسد:

«مؤلف برای نشان دادن درست تلفظ کلمات به جای اینکه از اعراب و یا الفبای لاتین استفاده بکند، برای ۹ صایت موجود در زبان آذربایجانی از علایمی که در این اواخر در مطبوعات و به خصوص در مجله «وارلیق» استفاده می‌شود، با تفاوت‌هایی چند، حرف تعیین کرده. می‌توان گفت که به فونتیک کردن الفبای ما یعنی نوشته شدن تمام صایتهای نایل گردیده و توانسته تلفظ صحیح همه کلمات را تأمین نماید».

دکتر زهتابی و دکتر نطقی از پیشگامان «آوانگاری» زبان آذربایجانی هر یک نشانه‌هایی برای الفبای «آوانگاری» تهیه و پیشنهاد نمودند و نوشتن کلمات ترکی را با شیوه آوانگاری تشویق نمودند.

در مورد لغات دخیل دکتر زهتابی عقیده داشت که به استناد قانون هماهنگی اصوات، هجای اول کلمه مطابق قواعد آوانگاری نوشته شود، دکتر نطقی معتقد بود که

هجای اول کلمات وارده به صورتی که در فارسی است، باقی بماند و بقیه مصوت‌های کلمه مطابق قاعده آوانگاری نوشته شود.

دکتر نطقی به صراحت مرقوم داشت، در مورد طرز نگارش کلمات دخیل «هله‌لیک = عجالتاً»، در شرایط فعلی، «حد وسطی» را پذیرفتیم (که در بالا به آن اشاره شد).

بیان هر دو استاد صراحت دارد که به طور اصولی به نوشتن کلمات وارده با قواعد آوانگاری تمایل داشته‌اند. در شرایط آغازین این اقدام تغییرات محدودی را پیشنهاد می‌نمودند.

آموزش و مسئله املا

از ذکر مصیبت درباره محرومیت ترکان ایرانی از تحصیل به زبان مادری خودداری نموده و سخن در موضوع آموزش و املا را یادآوری شعار یونسکو که مورد تأیید دانشمندان تعلیم و تربیت است، آغاز می‌نماید: «تحصیل، به ویژه آموزش ابتدایی با زبان مادری».

آموزش نوشتن و خواندن به دانش‌آموزان خردسال، نوآموزان و کم‌سوادها... باید با کلمات ساده زبان مادری آغاز گردد. به او الفبا و به کار بردن اولیه آنها را با کمک لغات محسوس برگرفته از زبان مادری بدون هر نوع توضیح درباره قاعده دستوری آموزش داده می‌شود.

آنها خالی‌الذهن از مفاهیم دستوری و منشا لغات بوده و در کلاس‌های بالاتر قواعد دستوری را به تدریج خواهند آموخت.

آموزش الفبا و کاربرد آن به نوآموزان باید با دقت و ظرافت خاصی تدریس شود. مثلاً صوت «آ» به دو صورت «ا، ا» در کلمه آت و آتا و نظایر آن یاد داده می‌شود. چگونه به او باید تفهیم کرد «آدم» را «آدام» بخواند؟! یا مثلاً حرف «ق و غ» را در کلمه قاب، باغ به او یاد می‌دهیم. چگونه به او بگوییم که کلمه غم همان «قم» است؟!

ساده‌ترین راه آموزش به نوآموز نوشتن حروف صایت در کلمه است و این قاعده در عمل باید بر همه لغت‌ها یکسان اجرا گردد تا از سردرگمی او جلوگیری شود. از هر نوع ابهام باید پرهیز کرد.

در سال‌های تحصیلی بالاتر است که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و مشترک و زبان عربی به عنوان زبان دینی و بانفوذ در تبادل آذربایجانی باید آموخته شود. این زبان‌ها با قواعد خاص خود باید آموزش داده شود. نوآموز در این مرحله قادر است که تفاوت زبان‌ها را تشخیص دهد و بداند که آنچه که در آذربایجانی «آدام» یادگرفته، در فارسی و یا عربی «آدم» تلفظ و نوشته می‌شود.

ما در فارسی «صلوات»، «اعلا» یاد گرفته‌ایم، در کلاس بالاتر ضمن درس زبان عربی «صلوة، اعلی» را یاد می‌گیریم و می‌دانیم که اولی در زبان فارسی بوده و دومی در زبان عربی است و مشکلی هم پیش نمی‌آید.

ما باید کاری بکنیم که راه نفوذ بقایای افکار آریامهری را ببندیم. فرضاً اگر در آن زمان کتاب درسی ابتدایی به ترکی نوشته می‌شد، مسلماً یک مشت لغت دخیل را با املای پیچیده فارسی در کتاب‌ها می‌گنجاندند و اصل آموزش ابتدایی به زبان مادری را مخدوش می‌کردند.

قاعده باید مانع و جامع و ساده و قابل فهم باشد. «و» حرف صوتی است که در کلمه «توپ» می‌شنویم.

یادگیری این صوت با املای فارسی سماعی و بدون قاعده خواهد بود: مو/ مؤ (تاک)، مچ / مۆچ، کور / کۆر...؟!

هنوز که کتاب‌های درسی تألیف نشده، ما باید املای زبان آذربایجانی را بر پایه قواعد متناسب با مقتضیات زبان مادری، یکنواخت و یکسان برای کلماتی که در آذربایجانی کاربرد دارد، با رعایت اصل تطابق ملفوظ و مکتوب، پایه‌گذاری کنیم و تنها راه حل آن تعیین حرف برای هر یک از ۹ صایت و نوشتن آن در داخل کلمات (خودی و دخیل) می‌باشد.

امید است روشنفکران آذربایجانی مسئولیت تاریخی خود را به درستی احساس نمایند.

آسیمیلاسیون در زمینه املا

اصطلاح آسیمیلاسیون از طرف دکتر شریعتی به طور گسترده توضیح داده شده و در سال‌های اخیر در مطبوعات آذربایجانی هم به کار رفته است. مفهوم این اصطلاح این است که با استحاله تاریخ، زبان و... یک ملت هویت اصلی او را انکار نموده و با قلب شبیه‌سازی‌ها به هویت مورد نظرشان انتساب دهند.

بان آریایی‌های خیال‌باف با تحریف حقایق تاریخی تلاش می‌کنند هویت ترکی اهالی آذربایجان را انکار نموده و آنها را آریایی قلمداد کنند. در برنامه‌های رادیویی خود به زبان آذربایجانی لغات و اصطلاحات فارسی را جایگزین لغات ترکی کرده و در آخر یک فعل ترکی اضافه می‌کردند، تحت عنوان برنامه زبان ترکی. به زبانی برنامه اجرا می‌کردند که ترکی نبود.

اگر در املا برای لغات ترکی شیوه آوانگاری و برای کلمات دخیل که هویت آذربایجانی را یافته‌اند، به شکل املائی فارسی رسمیت داده شود (هر چند که دلسوزانه باشد) راه برای آسیمیلیسیون زبان مادری در املا باز می‌گردد.

خلاصه و نتیجه

زبان ترکی آذربایجانی، زبانی است مستقل، زنده. یکی از قانونمندترین زبان‌های دنیاست، دارای قوانین و قواعد فطری مخصوص خود می‌باشد. این قوانین باید رعایت و حفظ شود.

هر کلمه دخیل طبق نظریه علمی زبان‌شناسان عضو زبان میزبان بوده و باید از قوانین آن تبعیت نماید. زبان ترکی آذربایجانی سلطه قوانین ذاتی خود بر واژگان وارده را در تداول و در ادبیات به اثبات رسانده و در زبان ادبی جمهوری آذربایجان در املا نیز به مرحله اجرا درآمده و ما نیز باید آنچه که در تداول عموم و در زبان معیار ما پذیرفته شده، در کتابت به منصفه ظهور برسانیم.

یگانگی و وحدت در املائی زبان واحد از ضروریات حتمی است. تنها راه منطقی و علمی و عملی آن استفاده از شیوه آوانگاری است. یعنی تعیین حرف برای ۹ مصوت و نوشتن آنها در جای خود در کلمه، اعم از کلمات خودی و دخیل. انجام این وظیفه تاریخی بر عهده روشنفکران آزاداندیش، فعالین ملی و فرهیختگان و شیفتگان زبان مادری است.

ضمیمه

درباره نگارش زبان آذربایجانی

درباره نگارش زبان آذربایجانی

انتشار خبر فراخوان برای بررسی نگارش زبان آذربایجانی در مطبوعات توجه علاقمندان را جلب کرد. از مدتها پیش انتظار می‌رفت که این گام اساسی برداشته شود، اینک با پیشگامی گروهی از محافل ادبی و مطبوعات آذربایجانی، این دعوت بعمل آمده و وظیفه همه صاحبان قلم و مشتاقان ادبیات آذربایجانی است که آگاهانه برای پایه‌گذاری اصولی طرز نگارش زبان آذربایجانی و موفقیت گامی که برداشته شده، کوشش کنند.

در شرایطی که قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق زبانهای قومی را به رسمیت شناخته است و از این جهت تکالیف مهمی بر عهده مقامات دولتی است ولی به منظور تحقق این حقوق وظایف سنگینی بر دوش علاقمندان به ادبیات قومی می‌افتد. بویژه در زمینه زبان آذربایجانی که به جهت کثرت جمعیتی که به این زبان سخن می‌گویند و ادبیات درخشانی دارد و زبانی است با قابلیت‌های فراوان.

دشواریهای نگارش با الفبای عربی/فارسی و نیز زیبایی‌های این خط امری است شناخته شده. آذربایجانی‌ها که در زمینه‌های متعدد پیشگام بوده‌اند اینک با آغاز بررسی اصولی شیوه‌های نگارش زبان آذری با الفبای عربی/فارسی و حل مشکلات موجود انتظار می‌رود که با پیگیری و استفاده از مبانی علمی بتواند گامهای نخستین را در این باره با موفقیت بردارد و شیوه‌ای ساده و منطقی و با قاعده در املای زبان آذربایجانی تدوین نماید و سرمشقی باشد برای زبانهای همسایه که این الفبا را بکار می‌برند.

بررسی طرز نگارش زبان آذری اقدامی است ادبی و تاریخی. با توجه به اهمیت این اقدام شایسته باید مدیریت، تدارک و برنامه‌ریزی مناسبی هم بشود. باین منظور راقم این سطور که مطالعه و تجربه در موضوع مورد بحث دارد و در مقدمه «آذربایجان دلی نین یضاحلئ لزغتی» نیز پیشنهادی در این زمینه مطرح کرده، و صمیمانه علاقمند به زبان آذربایجانی و تکامل آن در جهات مختلف بویژه در طرز نگارش اصولی و ساده و با قاعده و رفع دشواریهای آن می‌باشد در وهله اول یکنواختی در نگارش را ضروری می‌داند، در این مقاله در دو بخش نظریات خود را با خوانندگان محترم در میان می‌گذارد. در بخش اول توصیه‌هایی درباره برگزاری این فراخوان را پیشنهاد خواهد کرد و در بخش

- ۱- دارندگان آثار مکتوب زبان آذربایجانی عضو با حق رأی خواهند بود.
 - ۲- کنگره هیئتی را برای پیگیری اجرای تصمیمات و دعوت کنگره‌های بعدی انتخاب می‌نماید.
 - ۳- شرکت کنندگان تعهد می‌کنند که مصوبات کنگره را که با اکثریت آرا اخذ شده باشد اجرا نمایند ولی برای تبلیغ نظریات خود مختارند.
 - طبیعی است که شرایط را طوری فراهم خواهند آورد که مذاکرات در محیط آزاد و دموکراتیک انجام گیرد. تعصب، خودمحوری و القای پیشداوری مغایر با مقتضیات کار گروهی است.
- انتظار می‌رود که شرکت کنندگان که از شیفتگان و نخبه‌گان ادبیات آذری خواهند بود با سعه صدر مذاکرات و تصمیمات را ثمربخش نموده و برای حصول توافق و هماهنگی کوشش درخور شأن خود نمایند. بدیهی است موفقیت در قدمهای نخستین که با همکاری دسته‌جمعی علاقمندان به زبان آذربایجانی برداشته می‌شود می‌تواند و باید مبنایی برای گامهای بلندتر در جهت اعتلا و گسترش زبان مادری ما قرار بگیرد.

مقدمه

پیش از ورود در مبحث قواعد نگارش یک زبان باید ویژگی‌های آن را شناخت و من پس از ذکر مقدمه مختصری به آن خواهم پرداخت.

پس از جنگ جهانی اول که امپراطوری انگلستان صحنه‌گردان سیاسی شده بود، بویژه پس از انقلاب اکتبر که جاذبه آن ملت‌ها را به جنبش آورد و مبارزه با امپریالیسم را تشویق می‌کرد، امپراطوری انگلستان با هدف محدود و خفه کردن دامنه امواج انقلاب اکتبر به ایجاد دولتهای دیکتاتوری در همسایگی اتحاد شوروی از لهستان گرفته تا کره تلاش کرد. در ایران رضاخان قزاق از طرف اردشیرجی جاسوس نشاندار انگلستان شناسایی شد و تحت حمایت و رهبری آیرون سایید افسر انگلیسی کودتا کرد و بساط دیکتاتوری سپاه را گسترده. امپراطوری انگلستان بمنظور جلب افکار عمومی به نفع حکومت دیکتاتوری در این کشورها تر ناسیونالیسم را به میدان آورد. گروه پژوهندگان آکسفورد به زعامت ادوارد براون تمدن باستانی و قبل از اسلام ایران را مایه اصلی این ناسیونالیسم معرفی کردند و بوسیله عوامل خود از قبیل تقی‌زاده‌ها ناسیونالیسم یا به عبارت بهتر شوونیسم آریایی را تئوریزه کردند. رضاشاه کانون پرورش افکار را علم کرد که تحت تأثیر افکار فاشیستی هیتلری افسانه برتری نژاد آریایی را صیقل دادند و چنین وانمود کردند که وحدت ملی ایران که اصلی‌ترین عامل آن وحدت زبان است اساس پیشرفت می‌باشد. نتیجه اینکه با خشونت و بیشرمی تمام به تحقیر اقوام مختلف و بخصوص به تحقیر زبان آنها پرداختند. دستگاه دیکتاتوری بویژه یورش خود را متوجه مردم و زبان آذربایجان کرد و تا انکار و محو این زبان پیش رفتند. افشار غیرانسانی‌ترین طرح را پیش کشید که کودکان آذربایجانی را از دو سالگی به خانواده‌های فارس زبان سایر نقاط ایران تحویل دهند تا امکان یادگیری زبان مادری خود را نداشته باشند او موکداً توصیه می‌کرد که این کار هر قدر هزینه داشته باشد دولت باید بپردازد. ملاحظه می‌فرمائید که چنین طرحی تا چه اندازه وحشیانه و کینه‌توزانه و غیرانسانی است که کودکان دو ساله یک قومی را از مادر خود جدا سازند!

فشار مضاعف به آذربایجانیها و تحقیر آنها علت دیگری نیز داشت. این مردم قهرمان تبریز بودند که جنبش ضدتباکو را آغاز کردند، انقلاب مشروطه و حفظ استقلال ایران خونهای مردم بیداردل و فداکار آذربایجان و بویژه تبریز بود، قیام خیابانی جنبش بر علیه سلطه امپریالیسم انگلستان و اعتراض بر علیه قرارداد ۱۹۱۹ و دفاع از آزادی بود. جرقه‌های ریشه‌دار انقلاب آزادیخواهانه و شهادت ذاتی آذربایجانیها را دیکتاتور و اربابانش می‌دیدند و برای تحقیر و خفقان آنها زشت‌ترین اتهامات را جعل می‌کردند و موهن‌ترین جوکها را اشاعه می‌دادند. قهرمانی حماسی و تاریخی تبریزیها را در محاصره یازده ماهه شهر تبریز در زمان انقلاب مشروطیت که با یونجه و علف سد جوع کردند و تسلیم نشدند، به سخره گرفتند و مستوفی با بیشرمی گفت: «تبریزیها یونجه خوردند و مشروطیت گرفتند و ما حالا به اینها جو می‌دهیم!»... جو و گندمی که از املاک اختصاصی رضاشاه برای مصرف اسبهای ارتش به تبریز آورده بودند و فرمانده لشکر گزارش داده بود که به علت فاسد بودن این مواد اسبها آنها را نمی‌خورند مستوفی در پاسخ گستاخانه چنین توهین کرده بود...

فجایمی که در دوره دیکتاتوری رضاخان و پسرش در آذربایجان صورت گرفت فراموش نشدنی است. یکی از بارزترین دشمنی‌ها تحقیر زبان ترکی بود. نه فقط تحصیل و انتشار روزنامه و کتاب به زبان آذربایجانی قدغن بود بلکه در مدارس نیز مکالمه به زبان مادری قابل مجازات شناخته شده بود. نظریه‌پردازان دیکتاتوری جعلیاتی تراشیدند از قبیل اینکه زبان ترکی زبان وارداتی و تحمیلی است، زبان ترکی اصلاً زبان نیست و نمی‌توان با آن موضوعهای ادبی و علمی را بیان کرد و... «پرورش افکار» مکلف به اشاعه این اراجیف بود. گروهی دانسته منکر اصالت زبان ترکی بوده و گروهی دیگر تحت تأثیر این جعلیات، شایعات را تکرار می‌کردند و اگر خیلی لطف داشتند زبان ترکی آذربایجانی را «نیمه زبان» می‌نامیدند. بررسی احوال چند نفر از این نظریه‌پردازان نشان می‌دهد که آنها یا آذربایجانی نبودند و ترکی نمی‌دانستند و یا تعدادی دیگر اگرچه متولد آذربایجان بودند در حد محاوره روزمره با زبان آذربایجانی آشنایی داشتند و هیچیک از ادبیات و دستور زبان و خصوصیات والای زبان ترکی اطلاع نداشتند. متأسفانه وسعت تبلیغات آنچنان بوده که هنوز هم هستند کسانی که دنباله‌روی افکار آنها هستند و چه بسیارند آنهایی که در اثر نبودن امکانات تحصیلی به زبان آذربایجانی و... با ویژگیهای زبان مادری از جنبه ادبی و علمی آشنایی ندارند. این وظیفه به عهده روشنفکران و نویسندگان آشنا به ادبیات آذربایجانی است که از هر فرصتی برای شناساندن آن تلاش کنند.

جا دارد که به اختصار به برخی ویژگیهای زبان آذربایجانی اشاره شود. توجه به این ویژگیها درباره تنظیم قواعد نگارش اهمیت خاصی دارد.

زبان ترکی آذربایجانی از گروه زبانهای التصاقی است. تصریف کلمات و لغات از طریق اتصال پیوندها (شکیلچی) شکل میگیرد و ریشه لغت بدون تغییر و ثابت میماند. «شکیلچی»ها معماران توانمند زبان هستند.

زبان آذربایجانی یکی از زبانهای غنی و قانونمند و دارای قابلیت‌های فراوانی است. گنجینه لغات آن پربار است. نگاهی گذرا به فرهنگ‌های لغات آذربایجانی گستردگی و جامعیت لغات را نشان می‌دهد. لغات برای پذیرش حالات مختلف و تشکیل واژه‌های مرکب انعطاف فوق‌العاده‌ای دارد. به کمک پیوندها و طبق قواعد موزون و مشخص می‌توان از اسم حالات گوناگون ساخت و یا فعل، صفت و ظرف و غیره ساخت یا بالعکس. همه انواع فعل از قبیل لازم، متعدی، معلوم، مجهول، عطفی، مشارکه، اجبار یا سببی و منفی) با قواعد معین شکل می‌گیرند و رواج دارند. وجوه مختلف تصریفی فعل کامل و گسترده است. به عنوان نمونه زمان گذشته شامل ۱۷ مرحله است، اشکال نسبی صفات بیش از ۷ گونه است. زبان بر مبنای قواعد شناخته شده قادر به ساختن هرگونه لغت برای بیان افکار می‌باشد.

نگاهی به فرهنگ آذربایجانی - فارسی تألیف اینجانب که ترکیبات و مشتقات هر واژه در ذیل آن ردیف شده نشان دهنده انعطاف و گستردگی زبان است. لازم می‌دانم که بر چند ویژگی زبان آذری تأکید نمایم:

۱- زبان آذربایجانی زبانی است با قاعده

از ویژگیهای برجسته زبان آذربایجانی قانونمند بودن قواعد آن است. قواعد بطور سنجیده حاکم است. موارد استثنایی انگشت شمار و در حکم عدم است. قانونمندی زبان برای بیان مفاهیم مورد نظر با اعمال قواعد مشخص امکان گسترده‌ای در دسترس قرار می‌دهد و یادگیری آن را آسانتر می‌سازد. این خصیصه باید در تنظیم قواعد نگارش نیز ملحوظ گردد. املا باید تابع قوانین مشخص و یکنواخت بوده و فاقد استثنای متعدد باشد. فراگیری املائی مبتنی بر اصول مشخص و قواعد معین آسانتر است.

۲- قانون هماهنگی اصوات و قانون توالی اصوات

زبان آذربایجانی دارای ۹ مصوت است که برحسب نحوه فعالیت اعضای نطق در

ادای آنها گروهبندی می شوند.

۱- صائت خشن (آ، و، ی) و صائت نرم (آ، ئ و، و، ی)

۲- صائت باز (آ، و، ی) و صائت بسته (و، و، ی، ی)

۳- صائت راست (آ، آ، ئ ی، ی) و صائت گردلبی (و، و، و، و)

هماهنگی صائتها قانونمند است. به این شرح که:

(۱) اگر هجای نخستین کلمه صائت خشن باشد صائتهای بعدی کلمه نیز صائت خشن خواهند بود و اگر نخستین هجای کلمه با صائت نرم آغاز گرد صائتهای هجاهای بعدی نیز از نوع نرم خواهند بود.

چنانچه هجای اول با صائت راست باشد صائتهای بعدی از گروه صائت راست خواهد بود.

و اگر صائت هجای نخستین صائت گردلبی باشد صائتهای بعدی کلمه از گروه صائتهای گردلبی بسته یا راست و یا باز می آید.

(۲) قانون هماهنگی اصوات شامل اصوات صامت نیز می باشد.

صامت های گنگ به توالی هم می آیند (سپکی) و صامت های طنین دار به دنبال هم به کار می روند (دوینغو).

(۳) اصوات صائت و صامت نیز تابع قانون هماهنگی اصوات هستند.

بعد از صائتهای خشن صامت های پسین کامی می آیند و پس از صائتهای نرم صامت های میان کامی.

هماهنگی اصوات در زبان آذری ریتم و موسیقی زبان را تشکیل می دهد و مؤید این حقیقت است که زبان آذربایجانی زبان شعر و موسیقی و زبان ادبی موزون و خوش آهنگ است، اصالت این قانون در گرایش آذربایجانی بیش از سایر گروههای زبانهای ترکی حفظ شده است. ولی در معرض تهدید است. نبود تحصیل به زبان آذربایجانی موجب عدم آشنایی تحصیل کرده ها با قواعد زبان مادری می شود و عادت به تلفظ لغات فارسی و عربی و ترکی ترکیه به طرزى که در آن زبانها رایج است سبب می شود که روشنفکران ما در گفتار و نوشتار واژه های وارده از آن زبانها را به همان شیوه رایج تلفظ کنند. در حالیکه این واژه ها در تداول شفاهی مردم وفق قانون هماهنگی اصوات تلفظ می گردد. البته فقدان برنامه های رادیویی و تلویزیونی و سینما به زبان صحیح آذربایجانی و مهاجرتها نیز تأثیر منفی دارند.

بویژه در نوشتار باید شیوه‌ای را به کار برد که اولاً صائت‌ها مشخص شود و ثانیاً لغات وارده مطابق گرایش آذربایجانی و با حروف صائت رایج در زبان آذری نوشته شود. حفظ اصالت زبان و قانون هماهنگی اصوات که ضامن زیبایی آن و یادگار گرانمایی است که به ما سپرده شده از وظایف فرهیختگان زبان آذربایجانی است.

۳- لغات دخیل

در زبان فارسی هم لغات وارده بخصوص از عربی کم و بیش تابع طرز تلفظ زبان فارسی است. در املای این لغات نیز طرز تلفظ معمول در فارسی را اساس قرار می‌دهند. در اینجا به ذکر فقط چند نمونه اکتفا می‌کنیم (کلمه اول املای عربی و کلمه دوم شکل رایج فارسی است): تماش/تماشا، مائل/مایل، زکوة/زکات، اسمعیل/اسماعیل، وضو/وضو، ابتداء/ابتدا...

حروف (پ، چ، ژ، گ) را ایرانیان بنا به اقتضای زبان فارسی و با استفاده از شکل الفبای عربی و افزودن نقطه یا خط به زبان عربی اضافه کرده‌اند. تا چند دهه پیش مؤلفین دستور زبان فارسی تحت تأثیر دستور زبان عربی، دستور زبان فارسی را هم به تقلید از قواعد دستوری عربی می‌نوشتند. ولی زبان‌شناسان فارسی تبعیت و تقلید کورکورانه و بعضاً «فضل‌فروشی» را محکوم کردند و به تدوین قواعد دستور زبان فارسی بر اساس مقتضیات زبان مبادرت ورزیدند.

اصولاً هر زبانی برای تلفظ اصوات شیوه مخصوص به خود دارد حتی اگر دو زبان خط واحدی را بکار برند شیوه تلفظ اصوات کم و بیش متفاوت است و لغات وارده به زبان تابع طرز تلفظ زبان میزبان می‌گردد. این حادثه در زبان آذربایجانی با توجه به قانونمندی زبان و قانون هماهنگی اصوات با قدرت بیشتری اعمال می‌شود و به جرأت توان گفت که لغات وارده به زبان آذربایجانی بویژه در گفتار از لحاظ تلفظ دگرگون می‌شود. افزون بر این از لحاظ قواعد تصریف تابع قواعد زبان آذربایجانی می‌گردد.

این اصول آنچنان بدیهی است که نیازی به ذکر مثال در این مقاله نیست. با وجود این جهت مطالعه مثالها و نمونه‌ها به مقدمه فرهنگ آذربایجانی - فارسی می‌توان مراجعه کرد. توجه به این اصول در تنظیم طرز نگارش لغات دخیل اهمیت اساسی دارد. نوشتن واژه‌های وارده در زبان آذربایجانی به شکل اصلی آنها (به شکلی که مثلاً در فارسی متداول است) عدول از قواعد و مقتضیات زبان میزبان است. درباره موضوع باز هم بحث خواهیم کرد.

۴- تبدلات حروف

تبدیل حروف و یا سقط بعضی از حروف در هر زبانی تابع قواعد خاص آن زبان است و باید برحسب مقتضیات آن زبان در املا نیز مراعات گردد. چند نمونه در زبان آذربایجانی:

– تبدیل ن - م (سومبه - سونبه)

– «ق» در آخر کلمه وقتی بین دو مصوت قرار بگیرد به «غ» مبدل می‌گردد.

– «خ» و «غ» در آخر کلمه چند هجایی به «ق» تبدیل می‌شود.

– «غ» در اول کلمات آذربایجانی مطلقاً نمی‌آید.

– «ک» در آخر کلمه اگر بین دو حرف صدادار واقع شود به «گ» و یا «ئ» تبدیل می‌شود (چورک، چوره‌گی، چوره‌ئی)

– «گ» در بین دو حرف صدادار به «ب» تبدیل می‌شود: یگید، بیتید

– تبدیل «ت» به «د» در آخر کلمه (گنت، گنده‌جک).

– کلمات وارده که آخرش مشدد باشد در حالت عادی در گویش آذری تشدید حذف می‌شود ولی در تصریف اگر پسوند بعد از آن با حرف صدادار شروع شود تشدید بر می‌گردد (ضید، ضیددی).

– «ع» آخر کلمات عربی در گویش آذری ساقط می‌شود. (اجتماع / یجتیما).

– همزه آخر کلمات عربی در تلفظ آذربایجانی ساقط می‌شود (املاء / املا).

– همزه در کلمه‌ای مانند «مسئله» و «م» در کلماتی مثل «دفعه» ساقط می‌شود (مسله، دفعه).

– کلمات وارده که با «غ» شروع می‌شوند در گویش آذری «غ» تبدیل به «ق» می‌شود. (غنیمت / قنیمت).

– کلمات لاتین که با «س» و «ش» ساکن آغاز شود در تلفظ آذری به شکل «یس» و «یش» ادا می‌شود (ستراتژی / یستیراتژی، شتات / یشتات)

تبدیل حروف در زبان آذری بویژه در لغات وارده گسترده است و برای پرهیز از اطناب کلام به نمونه‌های عمده آن در مقدمه کتاب «فرهنگ آذربایجانی - فارسی» می‌توان رجوع کرد. جابجایی و دگرگونی حروف کلمات و یا سقوط آنها در تداول زبان آذربایجانی، بویژه در گویش لغات دخیل در زبان آذربایجانی جای بحث و گفتگو نیست. ولی در نگارش نیز باید تبدلات حروف را بطور جدی در نظر گرفت و مطابق تلفظ آذری نوشت.

اصول قواعد نگارش

زبان آذربایجانی زبانی است مستقل، دارای گنجینه غنی لغت و قواعد دستوری موزون که شمول عامه دارد و دارای توانایی فوق‌العاده‌ای در آفرینش واژه‌هایی برای بیان مفاهیم و حالات گوناگون به یاری پیوندها می‌باشد، برای ساختن واژه‌های مرکب دارای انعطاف همه جانبه‌ای می‌باشد.

این زبان تکامل یافته که قابلیت آن را در انسیکلوپدی آذربایجانی به وضوح توان دید، بنا به عللی که اهم آن متنوع بودن انتشار ادبیات و مطبوعات به این زبان در طول دهها سال و نبود امکانات تحصیلی و... در آذربایجان ما، از نقطه نظر املا دچار آشفتگی جانکاهی است. و چه بدتر که ما داوطلبانه با قربانی کردن خصوصیات ذاتی و ویژگیهای طبیعی زبان به ملاحظات غیرموجه از املائی دیگران رونویسی کنیم. ما با استفاده از الفبای فارسی می‌توانیم قواعد مشخصی که با مقتضیات و طبیعت زبان ما مطابقت داشته باشد الفبا و قواعد املائی خود را سامان دهیم.

زبان مستقل با بهره‌گیری از خط فارسی باید و می‌تواند الفبای خاص خود را برای نوشتار داشته باشد که ضمن حفظ شخصیت و ویژگیهای زبان، تطابق گفتار و نوشتار را هم تأمین کند.

افزون بر این نگارش که بیان کتبی الفاظ است باید الفاظ را به درستی منعکس نماید و شامل همه اصوات متداول در زبان رایج و با لهجه مسلط و ادبی باشد، آموزش و یادگیری آن آسان بوده و از مشابهات گیج‌کننده عاری باشد. کلمه‌ای به شکل «وتوز» لااقل به چهار صورت که هر یک دارای معنای خاص است تلفظ می‌شود: وتوز (بیاز)، اوْتوز (سی)، وتوز (پر بکنید)، وُتوز (عبور کنید). فقط در صورتیکه مصوتها با علایم خاص هر یک یا حروف معین نوشته شود مشکل حل خواهد شد. در لغات وارده چند مثال زیر نشان می‌دهد که نمی‌توان «عقل» نوشت و «آغیئل» خواند، بلکه باید نگارش انعکاس درست گرایش باشد مثلاً: (امام/ یمام، عقل/ آغیئل، گلوله/ گؤلله، امید/ وُمید، غنیمت/ قنیمت و هزاران واژه دیگر...)

اصول زیر بر اساس مبانی پذیرفته شده در زبان‌شناسی علمی برای تطابق ملفوظ و مکتوب و انعکاس اصوات و آهنگ زبان، درست خواندن آنچه که نوشته شده و سهولت یادگیری و آموزش املا خاطر نشان می‌گردد:

۱- در ردیف الفبا باید برای همه مصوتهای زبان حرف مستقلی با هویت مشخص وجود داشته باشد و در جای خود نوشته شود.

۲- حروف صامت دارای اشکال مختلف و صوت واحد باید بطور جدی مورد بررسی

- قرار گیرد و صامت بی صدا فقط با یک حرف مشخص شود.
 - ۳- تطابق مکتوب و ملفوظ باید رعایت گردد.
 - ۴- املا بر اساس قواعدی منطقی، عام، ساده و آسان استوار گردد.
 - ۵- استقلال زبان و خصوصیات ذاتی و مقتضیات آن رعایت گردد.
 - ۶- در تنظیم قواعد نگارش نیاز سوادآموزان و نوآموزان مدنظر قرار گیرد.
- اینک بر اساس اصول ذکر شده به طرح پیشنهادات کلی و اولیه می‌پردازیم:

۱- تعیین حرف مشخص برای هر مصوت و حذف حروف صامت با صوت مشابه ایرانیها برای تطبیق الفبای عربی با نیاز زبان فارسی اصلاحاتی در آن به عمل آوردند. اضافه کردن نقطه و حرکه به خط کوفی، با افزودن نقطه و علایمی به پایه‌های مشابه در الفبای عربی چهار حرف (پ، چ، ژ، گ) را وارد الفبا کردند و به تدریج از طریق ساده‌تر کردن املا - که هنوز هم ادامه دارد - بیش از پیش مقتضیات زبان فارسی را مورد توجه قرار دادند.

در زبان آذربایجانی ۹ صوت صدا دار وجود دارد. حرکه و علایم رایج در زبان فارسی کافی برای نوشتن آنها نیست و لااقل باید برای سه حرف مصوت چاره‌ای اندیشید. اگر ضرورت نوشتن همه مصوتها را که از بدیهیات برای درست نوشتن و خواندن است در نظر بگیریم شایسته است که برای هر ۹ مصوت حرف خاصی باشد و نوشته شود.

اینک می‌پردازیم به حروف مصوت:

۱- آ. ا. - آدام، آداما (مسیوق به سابقه است).

۲- و. - سوغان (طبق پیشنهاد دکتر زهتابی)

۳- و. - کورو (طبق پیشنهاد دکتر زهتابی)

۴- و. - گوز (سابقه دارد)

۵- و. - قوش

توضیح: نوشتن این مصوت به شکل (و) مشکلاتی برای نوآموزان بوجود می‌آورد: در فارسی (و) علامت ضمه است و صدای (و) می‌دهد.

در حالیکه در آذربایجانی باید آن را (و) خواند. بنابراین جهت احتراز از این دوگانگی بهتر است این مصوت را که مورد استعمال بیشتری دارد بصورت (و) بنویسیم. که در فارسی هم در مورد مشابه به کار می‌رود و برای نشان (واو - صامت) از علامت (و) استفاده کنیم.

۶- ی، ئ، ی - قیچ، قیچی

توضیح: نشانه (ی) با (ئ) مشتبه می‌شود و نوشتن آن بصورت (ی) نیز این ایراد را دارد که نشانه () مخصوص حروف صامت است. مضافاً به اینکه در گذشته در موارد ضروری از نشانه (ی) استفاده شده است.

۷- ی، ید، ی - دیل، دیلی

توضیح: در فارسی بهمین منظور نیز بکار می‌رود و چون کاربرد بیشتری در زبان آذربایجانی دارد بهتر است به همین صورت نوشته شود و برای نشان دادن (یای در آیتاق، آئی) نشانه () که مخصوص حرف صامت است بکار رود.

۸- ئ، ی، ی - گنج - دی (از سابق متداول بوده است).

۹- ا، ه، - اریک، دده

توضیح: به منظور نشان دادن تلفظ واژه‌ها در فرهنگهای منتشره از طرف اینجانب و برای نوشتن این صائت از (ا) استفاده شده و عملاً هم جواب داده است. ولی برای نوشتن این صوت در متون می‌توان از سه علامت در جای خود استفاده کرد (ادب، گله‌جک).

درباره حروف صائت ذکر این نکته مهم ضروری است که بنا بدلائل زیر حروف صدا دار (و، و، و، ی، ی) در اول کلمه بدون الف زاید نوشته شود (معمولاً «ی» در اول کلمه نمی‌آید):

الف) در زبان فارسی برای نوشتن مصوت (او، ای) از حروف صامت (و، ی) استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر (و، ی) که در ردیف الفبایی از حروف صامت هستند، طبق قرارداد در موارد خاصی اگر قبل از آنها حرف صامتی قرار داشته باشد در نقش مصوت (او، ای) ظاهر می‌شوند.

حال اگر این صوت‌ها در ابتدای کلمه قرار بگیرند که قبل از آنها حرف صامتی نیست چگونه باید آنها را نشان داد؟ بمنظور حل این مسئله در اول کلمه همزه اضافه می‌کنند که نقش حرف صامت قبل از (و، ی) را بازی می‌کند. و چون همزه به تنهایی نوشته نمی‌شود و باید بر پایه‌ای سوار شود الف را پایه همزه قرار داده‌اند که به تدریج همزه در کتابت حذف شده و الف باقی مانده است. یعنی در ابتدا «او، ایران» بوده که پس از سقط همزه به «او، ایران» تبدیل شده است.

پس الف در ابتدای این قبیل کلمات پایه همزه بوده و همزه در نقش حرف صامت قبل از حروف (و، ی) قرار گرفته تا طبق قرارداد این حروف صدای مصوت را نشان دهند.

حال که ما در تکمیل الفبای زبان آذری برای مصوتها حرف خاصی را پیش‌بینی می‌کنیم و هر حرف مصوت هویت ویژه‌ای دارد، نیازی به نوشتن الف زاید نیست. (ب) در زبان فارسی تعداد قابل توجهی از حروف صامت دارای پایه همشکل بوده و فقط با نقطه‌ها از یکدیگر تمیز داده می‌شوند مثل (ب، پ، ت، ث) و یا (ج، چ، ح، خ) و... اگرچه پایه‌ها همشکل هستند ولی با تعدد نقطه‌ها هر یک حرف جداگانه برای نشان دادن صوت معین هستند.

اگر ما قبول می‌کنیم که (و، و، و) و (ی، ی، ی) و (ث) اگرچه دارای پایه همشکل هستند ولی با نشانه‌هایی حرف مشخص برای نوشتن یک صائت معین هستند. لذا دلیلی برای نوشتن الف زاید وجود ندارد. همانطوریکه در ردیف الفبایی ما حرفی به شکل (و) قبول می‌شود و مشخصاً صدای قراردادی را دارد، باید در اول، وسط و آخر کلمه به شکل اصلی خود نوشته شود. بنابراین نوشتن الف موصوف در ابتدای کلمه‌ای که با مصوت (و، و، و) آغاز می‌شود با قبول حروف معین برای نشان دادن این مصوتها بی‌مورد است و تقلیدی است که پایه منطقی ندارد.

درباره حروف صامت در نگارش لغات آذربایجانی باید از استعمال حرفی که در زبان آذری کاربردی ندارد و فقط املا را برای نوآموزان دشوار می‌کند، پرهیز کرد. مثل (ث، ذ، ص، ض، ط، ظ).

در قانون هماهنگی اصوات و توالی آنها در رابطه بین صائتها و صامتها این قاعده حاکم است که «بعد از صائت‌های خشن صامتهای پیشین کامی و پس از صائت‌های نرم صامت‌های میان کامی می‌آید» در این مورد تعبیر نادرستی دیده می‌شود با این توضیح که نوشتن «ص، ط» را همراه با صائت خشن و «ت، س» را به دنبال صائت‌های نرم توصیه می‌کنند. در حالیکه ما در زبان آذربایجانی صوت «ص، ط،...» نداریم و صامت پیشین کامی و پسین کامی تعریف خاص خود را دارد.

با توضیحات بالا باید همه مصوتها را در کتابت نوشت. حروف چینی کامپیوتری با ایجاد حروف مورد احتیاج مشکل را حل کرده است. باین ترتیب آنچه که تلفظ می‌شود نوشته خواهد شد و هر چه نوشته شده بدرستی تلفظ می‌گردد. تبدیل (ک، گ، غ) به «ی» که حاصل تکامل تدریجی زبان است و بعلت نقض املای موجود و پرهیز از نوشتن تکراری شکل (ید) در شرایط فعلی برخلاف گویش رایج همچنان با «ک، گ، غ» نوشته می‌شود بنا به مقتضیات زبان و گویش امروزی نوشته خواهد شد.

گفته می‌شود که ما برای حروف صائت علایم خاصی مشخص می‌کنیم ولی نوشتن

این حروف با علایم مشخص الزامی نیست. ما همان حرف پایه را می‌نویسیم و فقط در صورت «ضرورت» علامت مصوت مورد نظر را می‌گذاریم. اولاً تشخیص «ضرورت» با خواننده غایب و نامعلوم است نه نویسنده. ثانیاً اگر هر نویسنده برحسب تشخیص و سلیقه خود حروف صائت را بنویسد و هر جا خواست به نوشتن شکل پایه اکتفا نکند مقصود از کوشش برای همشکل نویسی حاصل نخواهد شد.

ضرورت تأکید بر نوشتن همه حروف بویژه از لحاظ رعایت و حفظ قانون هماهنگی اصوات که یکی از مشخصات پر ارزش زبان ما و یادگار گرانمایی است، احساس می‌شود. اگر تأثیر منفی زبانهای فارسی و ترکی ترکیه از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون و مطبوعات و مهاجرتها... را در دگرگونی این قانون در نظر بگیریم، اصرار ما بر نشان دادن تلفظ صحیح در کتابت اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند.

۲- نگارش واژه‌های وارده

مبادله لغت بین زبانها متداول است. تعداد کثیری از لغات ترکی در زبان فارسی رایج شده و کلماتی مثل آقا و خانم روزانه هزاران بار بر زبانها جاری است. زبان ترکی آذری هم میزبان واژه‌های فارسی، عربی و خارجی است.

اصل مسلم است که لغات وارده تابع طرز تلفظ و قواعد زبان میزبان می‌گردند. بخصوص لغات وارده به زبان آذربایجانی بعلمت توانایی نیرومند قانون هماهنگی اصوات از یکسو در تلفظ تغییر صوت می‌دهند و از سوی دیگر چون زبان آذربایجانی التصاقی است و لغات با التصاق پیوندها به ریشه واژه تعریف می‌شوند لغات دخیل نیز از قواعد دستوری زبان آذربایجانی در تصریف تبعیت می‌کنند.

استاد بهمنیار چنین می‌نویسد: «اصل استقلال خط و زبان فارسی - فارسی زبان زنده و مستقل است و هر لغت خارجی که وارد آن می‌شود باید تابع مقررات و قوانین آن باشد» «دانشمندان ما تا حدود یک قرن پیش علوم ادبیه را منحصر به علوم لفظی عربی می‌دانستند و فارسی دانی در نظرشان فضیلتی محسوب نمی‌شد... اگر صد یک این زحمات را برای زبان فارسی کشیده بودند فارسی هم در جهت صرف و نحو و دیگر علوم لفظی و ادبی زبان ثروتمند بود...»

ثانیاً اگر برحسب اتفاق توجهی به فارسی کرده‌اند همان قواعد عربی را که تنها همان در نظرشان اهمیت علمی داشته تا آنجا که میسر بوده است بر فارسی منطبق ساخته و زحمت وضع قواعدی که در خور فارسی باشد به خود نداده‌اند.

عقیده استاد سعید نفیسی بر اینست که «بسیاری کلمات عربی در فارسی به روش دیگری بجز روش معمول تازیان تلفظ می‌شود. ما که کتاب برای زبان فارسی می‌نویسیم نباید رعایت اصل تلفظ را در زبان تازی بکنیم. باید معمول امروز ایران را اساس قرار دهیم». چند مثال از لغات عربی را که وارد زبان فارسی شده و املای آنها دگرگون شده می‌آوریم:

زکوة/زکات، مائل/مایل، جزء/جزء، املاء/املا، وضو/وضوء، اراده/ارادت، اسمعیل/اسماعیل، تماشئ/تماشا، فائده/فایده...

حروف صامت خاص عربی را که در نوشتن واژه‌های فارسی به کار می‌رفت حذف کرده‌اند (طهران/تهران، طالش/تالش، طیش/تیش...).

به جرأت می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق لغات وارده به زبان آذری با گویش زبان میزبان هماهنگ شده و در تلفظ آنها دگرگونی متناسب پدید آمده است. بنابراین باید در نگارش آنها نیز این تغییرات را محفوظ داشت و مطابق گویش آذربایجانی آنها را نوشت (نمونه این دگرگونی در تلفظ را در صفحات ۲۱ تا ۲۳ فرهنگ آذربایجانی - فارسی آورده‌ام).

نوشتن لغات وارده به شکلی که در زبان فارسی مرسوم است علاوه بر اینکه مغایر با اصول یاد شده است، دشواریهای پیچیده‌ای را هم بوجود می‌آورد. ما به دانش‌آموز باید یاد بدهیم که برای نوشتن واژه‌های آذری مثلاً مصوت «و، و» را به کار ببرد، در عین حال به او می‌گوئیم که کلمه (بلبل، تند، گل، کمک، بحران و...) و نظایر آنها را که به شکل فارسی نوشته شده مطابق گویش آذری (بۆلبۆل، تۆند، گۆل، کۆمک، بۆهران...) بخواند. یا وقتی به او می‌گوئیم بنویسد «بۆلبۆل» او برخلاف صراحت تلفظ و قواعد یکسانی که برای نوشتن لغات آذری و نوشتن مصوتهای قراردادی به او یاد داده‌ایم، باید بنویسد (بلبل)!

چنین شیوه‌ای دانش‌آموز را دچار سردرگمی می‌کند. در حالیکه او در درس فارسی «بلبل» می‌خواند و می‌نویسد، باید به او یاد بدهیم که در درس زبان آذربایجانی باید «بۆلبۆل» بنویسد و بخواند. دانش‌آموز می‌فهمد که تفاوت کتابت ناشی از تفاوت تلفظ لغات مشابه در دو زبان است. نظیر اینکه دانش‌آموز در متون درسی عربی «اعلیٰ، صلوة...». در کتب درسی فارسی «اعلا، صلات...» می‌خواند.

گفته شده که کلمات وارده که «آذری» شده‌اند مطابق تلفظ آذری نوشته شود و بقیه به همان شکل که در فارسی مرسوم است نوشته شود. این پیشنهاد مسئله را پیچیده‌تر

می‌کند. کدام لغات وارده «آذربایجانی شده» تلقی می‌شود و ضوابط تشخیص آن چیست؟

و اصولاً نوآموز چرا و چگونه باید این تفاوت را تمیز بدهد؟ اگر لغات وارده در تلفظ آذری تغییر پیدا نکرده است پس گویش آذری آن با گویش فارسی تطبیق می‌کند و اگر مطابق گویش آذری بنویسد با شکل فارسی آن متفاوت نخواهد بود و قاعده به هم نمی‌خورد.

اصولاً توده مردم و نوآموزان همه لغات متداول در زبان مادری خود را مال خود می‌دانند و با منشأ واژه‌ها کاری ندارند. بررسی لغات خودی و لغات وارده کار متخصصین است.

پیشنهاد شده که در هجای اول کلمه مصوت را مطابق گویش آذری بنویسیم و در هجاهای دیگر بنا بر قانون توالی اصوات ضرورتی برای نوشتن مصوت نیست و به همان شکل املاي فارسی باقی بماند. اولاً نوآموز و توده مردم با این قبیل قوانین حاکم بر زبان آشنا نیستند ثانیاً در قانون توالی اصوات (به عنوان مثال) گفته می‌شود که چنانچه صائت نخستین صائت گردلبی باشد صائت‌های بعدی کلمه از گروه صائت‌های گردلبی بسته و یا صائت راست و باز می‌آید. پیاده کردن این فرمول در نوشتن و خواندن کلمه‌ای که حروف مصوت آن نوشته نشده، بخصوص در مورد لغات ناآشنا بیشتر به حل معما شباهت دارد. وقتی به این مشکلات بر می‌خوریم می‌گوییم خواننده با توجه به معنی لغت در جمله در خواهد یافت که تلفظ آذری آن چگونه است.

این معمای دیگری می‌شود بخصوص در موردی که خواننده معنی لغت را هم نداند. اصولاً قواعد وضعی باید بر اساس مقتضیات زبان، ساده و عام باشد.

مورد دیگری را بررسی می‌کنیم. در زبان فارسی «س، ش» ساکن در ابتدای کلمه نمی‌آید. لذا «ستراتژی» را به صورت «استراتژی» ادا می‌کنند و می‌نویسند.

در زبان آذربایجانی ما «یستیراتژی» تلفظ می‌کنیم. آیا باید این کلمه را به صورت فارسی آن «استراتژی» بنویسم و «یستیراتژی» بخوانیم؟

مثالهای فراوانی را می‌توان مورد بحث و مذاقه قرار داد، به عنوان آخرین مثال طرز نوشتن لغات وارده را که با «غ» آغاز می‌گردد مورد مطالعه قرار می‌دهیم. می‌دانیم که در زبان آذربایجانی کلمه «غ» هرگز در اول کلمه نمی‌آید.

لغات دخیلی که با «غ» آغاز گردد در تلفظ آذری «غ» تبدیل به «ق» می‌شود (غاز، غوره، غسل...) را ما (قاز، قورا، قوسول...) تلفظ می‌کنیم.

طبیعی است که باید مطابق مقتضیات زبان و تلفظ آذری آنها را بنویسیم. ولی اگر آنها را به شکل اصلی بنویسیم قانون مسلم زبان خودمان را فدا کرده‌ایم و به دانش‌آموز که یاد داده‌ایم «غ» و «ق» دو حرف جداگانه هستند و صورت متمایزی دارند، عملاً بر خلاف این قاعده او را مجبور می‌کنیم که «غ» بنویسد ولی «ق» بخواند!

نوشتن لغات وارده از عربی و فارسی به شکل املای فارسی احیای «هزوارش» در قرن بیست و یکم بعد از دو هزار سال و اندی است که کلمات را به آرامی می‌نوشتند و به زبان پهلوی می‌خواندند.

خلاصه اینکه حروف مصوت را باید مشخص کرد و لغات را مطابق گویش آذری به کمک حروف مصوت نوشت. لغات دخیل عضو زبان میزبان و تابع قواعد زبان میزبان است و باید به هر شکلی که در زبان آذری تلفظ می‌شود نوشته شود. به این ترتیب از چندگانگی شکل املا جلوگیری می‌شود و قواعد ساده و عام و یکنواخت اجرا و استقلال و اصالت و مقتضایت زبان مراعات و حفظ می‌گردد.

طرز نگارش لغات آذربایجانی در این لغت نامه

از: فرهنگ آذربایجانی - فارسی

خط عربی - فارسی زیبا و هنرمندانه و شاخص فرهنگ مشترک والایی است ولی نارساییهای نیز دارد که نمونه هایی از آن را استادان زبان فارسی عنوان کرده اند و این موارد درباره نگارش گویش آذربایجانی نیز صدق می کند - بدین شرح:

۱- مصوتها

در زبان فارسی ۶ مصوت ساده وجود دارد: سه کوتاه (ـَ - ـِ - ـُ)، سه بلند (آ-و-ی). غیر از نشانه «آ» چهار نشانه «ا-و-ه-ی» برای مصوتها وجود دارد که گاه صامتند و گاه مصوت که خود یکی از دشواریهاست. سایر مصوتها مستتر هستند و نشانه ای ندارند.

۱- «ا» در ابتدای کلمه ساکن است و در وسط و آخر کلمه صدای «آ» می دهد و برای تنوین و همزه کرسی است.

۲- «و» در ابتدای واژه صامت و در وسط کلمات یا صامت و یا مصوت بلند است و در میان دو کلمه صدای «او» می دهد (رفت و آمد). گاهی اوقات در وسط و آخر کلمه در نقش مصوت کوتاه ظاهر می شود (مثل: آخور، خوردن). در برخی کلمات مثل «خواب» و او معدوله یا زاید است. ضمناً او برای همزه کرسی است.

۳- «ه» به هیئتهای «ه، ه، ه، ه، ه» صامت است و به هیئت «ه - ه» در پایان کلمه گاه صامت و گاه مصوت: خانه، ده (۱۰).

۴- مصوتهای مرکب مثل: پیمان (پ ی مائ)، پیاز (پی یاز)، نوروز (نوروز)، می (مشی)، پیدا (پیدا) و غیره، علامت و نشانه ویژه ای ندارند.

۵- «ی» علاوه بر اینکه بجای مصوت مرکب کاربرد دارد (مثالهای بالا) علامت آوای صامت «ی» و مصوت «ای» هم هست: یار، درستی.

نتیجه اینکه:

۱- تمام مصوتها نشانه ویژه ای ندارند،

۲- برخی از نشانه ها کاربرد متعدد دارند،

۳- شباهت و یکسانی نشانه ها برای مصوت و صامت مسأله پیچیده ایست،

۴- برخی از مصوتها نوشته نمی شوند،

۵- تعداد مصوتها محدود و کمتر از مصوتهایی است که در زبان آذری کاربرد دارد.

بنا به دلایل مذکور نمی توان با این الفبا صدای ملفوظ را به درستی نوشت و نوشته ها را می توان به صور مختلف ملفوظ بیان کرد.

به همین سبب در لهجه نگاری و ضبط گویشهای محلی و قومی و در کتب لغت فارسی به منظور جبران این نارسایی از طریق شیوه های قراردادی تدابیری اتخاذ کرده اند که کافی به مقصود هم نیست. (از آنجمله: الف) کلمه ای هم آهنگ یا هم وزن آن لغت می آورند. (ب) حرکت ها را توصیف می کنند. مثلاً می نویسند به فتح اول، کسر دوم، ضم سوم و غیره. (ج) کلمات را اعراب می گذارند که حروف معرب در همه چاپخانه ها نیست. (د) از حروف لاتین استفاده می کنند و این اشاره های قراردادی را در مقدمه توضیح می دهند و لغات را به کمک آن حروف لاتین می نویسند تا تلفظ درست آن حفظ گردد. هر نویسنده به سلیقه و برداشت خود اشاره قراردادی خاصی را به کار می برد. البته همه خوانندگان با این نشانه ها آشنا نیستند.

۲- حروف صامت

حروف صامت عربی- فارسی کاستیهای ویژه ای دارد: اولاً چند حرف دارای هیئت مشابهند و فقط با تعداد و طرز قرار گرفتن نقطه از یکدیگر متمایز می شوند، ثانیاً حروف صامت متشابه مثل ت- ط و یا ز- ض- ظ- ذ که در تداول عربی طرز ادای هر یک متمایز است در املای فارسی دو گونگی پدید می آورد: (طالش- تالش، طیدن- تیدن و غیره).

زبان ترکی آذری که متعلق به گروه زبانهای اورال- آلتایی و جزو زبانهای التصاقی است با زبانهای هند و اروپایی اختلاف ریشه ای دارد و ضبط تلفظ این زبان با الفبای عربی- فارسی نیاز به اصلاحات ویژه ای دارد.

مصوتهای ساده زبان آذری ۹ تاست. نا گفته پیداست که برای ثبت درست لغات آذربایجانی با الفبای عربی باید چاره ای اندیشید.

در گذشته و اخیراً برخی مطبوعات ترکی آذری تعدادی از مصوتها را با علائم ویژه مشخص کرده اند. حال که با افزودن علائمی کمبود حروف مصوت را می توان چاره کرد چه بهتر که برای

همه مصوتها نشانه‌ای معلوم گردد و علائمی باشد که باهم مشتبه نگردند و هرچه کمتر به کار روند. نقص دیگر الفبای عربی-فارسی این است که حرکات داخل حروف نیست و نوشته نمی شود که سبب دو گونه یا چند گونه خوانی می گردد. به منظور رفع این نقیصه در املای کنونی ترکی آذری نشانه «ئ» را علاوه بر «ا» برای حرکت «-» و نشانه «ه» را برای حرکت «-» و علاوه بر نشانه «آ» در موارد خاصی به کار می برند. معذک حرکات «-» و «-» غالباً مستتر است و به طور کلی قاعده عام ندارد...

ضرورت نشان دادن حرکات با حروف یا نشانه‌های ویژه در زبان ترکی از قدیم احساس می شده است. در «قاطع برهان» ذیل کلمه «تومان» چنین آمده است:

«لفظ ترکی است و در تحریر لغات ترکی اعراب بالحروف نوشتن رسم افتاده است. و او علامت ضمه تاي فوقانی و الف علامت فتحة میم. هر آینه «تومان» بنویسند و «تمن» خوانند، به تاي مضموم و میم مفتوح».*

به عبارت دیگر مرسوم بوده است که در فارسی «تمن یا تمن» بنویسند و در ترکی «تومان» نوشته می شده است یعنی نشانه «ا» را به جای فتحه به کار می برده اند.

با توجه به توضیحات بالا و به منظور:

۱- ضبط درست لغات ترکی آذری،

۲- رعایت اصل تطابق ملفوظ با مکتوب و مکتوب با ملفوظ،

۳- پرهیز از دو گونه یا چند گونه خوانی،

۴- امکان تنظیم ردیف الفبایی لغات،

۵- سهولت مراجعه برای یافتن لغت،

بجا بود که در این کتاب به جای استفاده از حروف لاتین، یا سیریلیک که برای نگارش تلفظ درست معمول است، بر اساس الفبای عربی-فارسی نشانه‌های حرفی پیشنهادی به کار رود ولی در نگارش هیئت لغات یا املای مرسوم حفظ شده و تلفظ صحیح در صورت لزوم با استفاده از اشارات قراردادی که خواهد آمد، در داخل آکلاد نوشته شده است:

الف - مصوتها

۱- آوای «آ» در املای غیر رسمی ترکی آذری معمولاً در ابتدا کلمه به شکل «آ» و در وسط و آخر کلمه به هیئت «ا» نوشته می شود، مگر در برخی از کلمات مثل: قرآن، سوآل، ایده آل، مآل، منشآت، تأتیر،... که در وسط کلمه نیز به صورت «آ» نوشته می شود.

در نشانه‌های قراردادی این کتاب برای ضبط تلفظ لغات، «آ» در ابتدا و وسط و

بایان لغت به صورت « آ » نوشته شده است: { آ ستآ آ }.

۲- مصوت « - » در املای غیر رسمی کنونی آذربایجانی در ابتدای کلمه به هیئت «ا» و در آخر کلمه به شکل «ه» و در وسط کلمه غالباً مستتر است و در مواردی نشانه «ه» به کار می رود که تابع ضوابط معینی هم نیست مثل: «دوه، ده وه» و در حالتی که «ا» کرسی همزه باشد در وسط کلمه نیز به هیئت «ا» در کلمات وارده می آورند.

در کتاب حاضر برای تلفظ نگاری مصوت «-» در ابتدا و وسط و بایان کلمه با نشانه «ا» تحریر شده است: { دادا، داوا }.

۳- مصوت « - » در املای کنونی ترکی اذری گاهی با نشانه «ذ» نشان داده می شود. در ابتدای کلمه به صورت «ا، اذ» نوشته می شود و گاهی نیز مستتر است.

برای نشان دادن تلفظ اذری لغات در این کتاب مصوت « - » در ابتدا و وسط کلمه به هیئت «ذ، ا» و در پایان کلمه به شکل «ی» نوشته شده است: { نل، یتل، دی ا }.

۴- مصوت های گردلی در نوشتار به دو صورت «و، و» نوشته می شد که اخیراً چند نشانه از جمله «و، و» را هم بدان افزوده اند.

در زبان آذری چهار مصوت در این گروه قرار دارند. در املای کنونی چنانچه این مصوتها در ابتدای کلمه قرار بگیرند الف زایدی در ابتدا می آورند. این الف زاید در فارسی کرسی همزه است، در حالی که در زبان آذربایجانی این مصوتها هریک مستقلاً آوای خود را دارند و نوشتن الف زاید ضروری به نظر نمی رسد.

مصوت های چهار گانه مذکور در الفبای قراردادی، با علام زیر مشخص گردیده که در ابتدا و وسط و انتهای کلمه به شکل یکسان نوشته شده اند:

{ و- ولدوز / ستاره، وجوز / ارزان }.

{ و- وژوک / انگشتر، گوزگو / آینه }.

{ و- وژن / ده، یا هو / دهه }.

{ و- وژ / خود، گوز / چشم }.

توجه فرمایید که « واو » صامت با اشاره « و » نشان داده شده است: { و آخت / وقت }.

۵- مصوت « ای » (ایران، بینی) با نشانه « ب، بی، ی » نوشته شده است و در ابتدای

کلمه نیز نیازی به افزودن الف زاید نیست: { یکی / دو، دیل / زبان، یری / درشت }.

مصوت « ب، بی، ی » طبق رویه متداول تحریر یافته است: { بلدیریم / آذرخش، قایئ / در }.

حرف صامت « یای » با اشاره « ی، یه، یی » نشان داده شده است: { یائ / تابستان }.

۶- مصوت های مرکب، هیئت خاصی ندارند، بلکه به مصوت های ساده تجزیه و هریک از

مصوتها نوشته شده است: { چشیناماک / جویدن، قشیرات / غیرت }.

ب - حروف صامت

در تلفظ و تداول زبان ترکی آذری «ت، ط» مثل «ت» و «ث، س، ص» همانند «س» و «ز، ذ، ض، ظ» همانند «ز» و «ح، ه» مثل «ه» تلفظ می شوند.

در این کتاب جهت آوانگاری به ترتیب «ت، ه، ز، س» به کار رفته است.

در زبان ترکی آذری «ک» و «گ» آوای اصلی خود را دارند مانند، { کؤچ / کوچ، اکین / زراعت، ئلاماک / کردن، گئجا / شب، ساهانگ / سبو، ولی در بعضی لغات دخیل یا پسوندهائی نظیر «کار» و «گار» شبیه «ق» تلفظ می گردند. برای تمایز این آوای دوگانه نشانه ای منظور نشده است.

طرز نگارش کلمات دخیل

زبان عمده ترین ابزار ارتباط اجتماعی متأثر از روابط بین ملل و اقوام مختلف است. به قول مرحوم دهخدا «این عرب خود از فارسی و رومی و یونانی و قبطی و حبشی و نبطی و جز آن به اندازه ای گرفته که اگر از فرهنگ عربی سقط شود فقر کامل او مشهود است»^۱.

زبان ترکی آذری نیز از لغات زبانهای دیگر بخصوص زبانهای عربی و فارسی فراوان بهره برده است. لغات عربی غالباً از طریق معتقدات اسلامی و لغات فارسی در اثر قرن‌ها همزیستی و روابط اداری و تجاری و فرهنگی در زبان ترکی آذری پذیرفته شده است.

ولی در هر زبان لغات دخیل تابع قواعد زبان میزبان می گردد و با توجه به ویژگیهای گویش و ریشه و قواعد زبان آذربایجانی لغات دخیل شکسته یا منقلب و تحریف شده از لحاظ تلفظ و از جهت قواعد دستوری و در مواردی از حیث معنی و مقصود از لغت اصلی دور افتاده و تابع قواعد زبان میزبان شده است.

درباره لغات دخیل در زبان فارسی نظریه چند استاد زبان فارسی راهگشاست.

۱- اصل استقلال خط و زبان (فارسی زبانی زنده و مستقل است و هر لغت خارجی که وارد آن میشود باید تابع مقررات و قوانین آن باشد).^۲

۲- «بسیاری کلمات عربی و فارسی به روش دیگری بجز روش معمول تازیان تلفظ می شود ما که کتاب برای زبان فارسی می نویسیم نباید رعایت اصل تلفظ را در زبان تازی بکنیم. باید معمول امروز ایران را اساس قرار بدهیم».^۳

۱- مقدمه لغت نامه دهخدا، صفحه ۵۰۹.

۲- استاد بهمنیار: املائی فارسی.

۳- استاد سعید نفیسی: دستور لغت نویسی.

«... بسیاری از این لغات (عربی) در صورت و معنی، و تلفظ با اصل عربی تفاوت یافته و صورت ایرانی به خود گرفته اند».^۱

«برخی از این کلمات (عربی) را ایرانیان به معنی دیگری به کار برده اند که بدان معنی در زبان عرب نیامده است و یا به شکل فارسی در آورده اند مانند عایدی به معنی درآمد و عبیدی یعنی پولی که در روز عید به کسی می دهند».^۲

«در تصرف ایرانیان در زبان عربی... معانی کلمات عربی را عوض می کنیم؛ رعنا، اعزام».^۳
«دانشمندان ما تا حدود یک قرن پیش علوم ادبیه را منحصر به علوم لفظی عربی می دانستند و فارسی دانی در نظرشان فضیلتی محسوب نمی شد... اگر صدیک این زحمات را برای زبان فارسی کشیده بودند فارسی هم در جهت صرف و نحو و دیگر علوم لفظی و ادبی زبان ثروتمند بود...
ثانیاً اگر بر حسب اتفاق توجهی به فارسی کرده اند همان قواعد عربی را که تنها همان در نظرشان اهمیت علمی داشته تا آنجا که میسر بوده است بر فارسی منطبق ساخته و زحمت وضع قواعدی که در خود فارسی باشد به خود نداده اند».^۴
نتیجه ای که از این نظرات استادان می توان گرفت این است که لغات دخیل تحت تأثیر قواعد زبان (تلفظ، قواعد دستوری، معنی و املاء) زبان فارسی یا میزبان قرار گرفته اند و باید در زبان فارسی شکل معمول در زبان فارسی را اساس قرار داد.

مثال: (عربی/ فارسی)

ماثل / مایل، شمائل / شمایل، وزراء / وزرا، وضو / وضو، دنتی / دنتی، اراده / ارادت، اراده، زکوة^۵ / زکات، حیوة / حیات، اسمعیل / اسماعیل، تقاضی / تقاضا، تماشی / تماشا.
آنچه درباره پیروی لغات دخیل (عربی) از قواعد زبان میزبان (فارسی) به اختصار نقل شد درباره لغات وارده به زبان آذربایجانی هم صادق است. به جرأت می توان گفت که به ندرت واژگان وارده به زبان ترکی آذری تحت تأثیر قواعد زبان ترکی آذری و قانون هم آهنگی اصوات در زبان آذری و ویژگیهای آن قرار نگرفته و شکل اصلی خود را حفظ کرده اند.

گونه هایی از انواع دیگر گونی لغات وارده به زبان ترکی آذری و چند مثال نمونه را ذیل ملاحظه می فرمایید:^۶

۱- دکتر احسان یارشاطر: زبان و لهجه های ایرانی.

۲- استاد سعید نفیسی: دستور لغت نویسی.

۳- علی اکبر دهخدا: مقدمه لغت نامه، ص ۴۰۵ و ۴۰۴.

۴- استاد بهمنیار: املائی فارسی.

۵- رسم الخط مخصوص قرآن.

۶- توضیح اینکه: ۱) املاء تلفظ آذربایجانی لغات وارده در این امثله با الفبای پیشنهادی در این کتاب تحریر

صورت اصلی / تداول آذری

۱- (غ) در ابتدای کلمات آذربایجانی هیچگاه نمی آید. بنابراین کلیه لغات وارده که با (غ) آغاز می گردد در تداول ترکی آذری (غ) تبدیل به (ق) می شود: غارت / قآرات، غاز / قآزغم / قام، غوره / قورآ، غسل / قوسول.

۲- لغات وارده که در اصل دو حرف صامت پشت سرهم قرار گرفته اند در تداول آذربایجانی بین دو حرف ساکن پیوسته، مصوت اضافه می شود و به تبعیت از قواعد زبان میزبان تلفظ لغت دگرگونی مناسب می یابد:

بیر / بابیر، پاسبان / پآسیبان، پودر / پؤدور، تخم / توخوم، دردمند / داردیماند، طفل / تیفیل، زهر / زاهار، قلع / قآلائی، قفل / قیفیل، نذر / نازیر، نقل / نوغول.

۳- تبدیل (آ) به (ا): کلاف / کلاَف.

۴- تبدیل (آ) به (ؤ): طاووس / توووز.

۵- تبدیل (آ) به (آ): آدم / آدام، اذان / آزان، آشپز / آشپاز، الله / آلاه، بهانه / باهانا.

۶- تبدیل (آ) به (ای): کافر / کآفیر، شفاهی / شیفآهی، فراوان / فیروآن.

۷- تبدیل (آ) به (ای): فندق / فندیق، کاغذ / کآغیز.

۸- تبدیل (ا) به (آ): مهمیز / ما همیز.

۹- تبدیل (ا) به (ؤ): مرشد / موړشؤد.

۱۰- تبدیل (ا) به (ای): ابداع / یبداع، اجاره / یجارا، اذن / یزین، امام / یمآم، املاء / یملا،

باطل / باآیل، طلسم / تیلیسیم، کتاب / کیتاب.

۱۱- تبدیل (ا) به (ای): تالش / تآلیش، لازم / لآزیم، شاطر / شآتیر.

۱۲- تبدیل (ا) به (ؤ): بریان / بوړیان، پسته / پؤستا.

۱۳- تبدیل (ا) به (آ): هاء غیر ملفوظ آخر کلمات فارسی به (آ) یا (ا): بارچه / پا رچآ، خانه / خانآ،

فته / فیتا.

۱۴- اگر کلمه وارده با (ا) آغاز گردد و مصوت بعدی نیز (ا) باشد و بین این دو مصوت حرف (ح،

ع، ه) قرار گرفته باشد مصوت دوم (ا) به (ای) تبدیل می شود: احتکار / نهتیکآر، بهشت / بنهپشت، اعتماد / نهتیمآد.

۱۵- تبدیل (او) به (اؤ): کوچه / کوچا، کوره / کوړا.

۱۶- تبدیل (او) به (اؤ): بوران / بوړآن، دوست / دوړست، کور / کوړ.

- ۱۷- تبدیل (او) به (ا): کوک / کؤک.
- ۱۸- تبدیل (او) به (ای): شرور / شاریر.
- ۱۹- تبدیل (او) به (ئی): کاهو / کآهی.
- ۲۰- تبدیل (او) به (ا): اولاد / ئولآد.
- ۲۱- تبدیل (او) به (او): مراد / مورآد، مردار / موردآر، استاد / وستآ.
- ۲۲- تبدیل (او) به (ا): اجرت / وّجرات، امید / وّمید، بلبل / بؤلّبؤل، تند / تۆند، دو / دؤ، گل / گؤل، مبارزه / موبآریزا، مسافر / موسآفیر.
- ۲۳- تبدیل (او) به (ا): بهتان / بؤهتان، بحران / بؤهرآن، کمک / کؤماک، موهوم / مؤؤهؤم.
- ۲۴- تبدیل (او) به (ای): مرده شور / میرده شیر، مروارید / میرؤآری، نازک / نآزیک.
- ۲۵- تبدیل (او) به (ئی): قفل / قیغئل.
- ۲۶- حذف واو معدوله: خواب / خآب، خواه / خآه.
- ۲۷- تبدیل (ای) به (ا): کرسی / کؤرسؤ.
- ۲۸- تبدیل (ای) به (ا): پیشه / پششا، پیشکش / پششکاش.
- ۲۹- تبدیل (ای) به (او): دستاویز / داستآؤوز.
- ۳۰- تبدیل (ای) به (ئی): میخ / میخ، ناشی / نآشی.
- ۳۱- اختلاف تلفظ لغات آذربایجانی دخیل در زبان فارسی با تلفظ ترکی آن: آقا / آغآ، ایل / ئل، قاتق / قآتیق، تومان / ئومان، قلدر / قولدور، خانم / خآنیم، ترک / تۆرک.
- ۳۲- تجزیه مصوت های مرکب: پیاده / بیثآدا، قید / قیثد، غیرت / قشیرات، ایهام / نیهآم، میدان / میثآدان، برتر / بارتؤؤ، ذوق / زؤؤق، گرو / گیرؤؤ.
- ۳۳- حروف مشدّد تجزیه می شوند و در برخی لغات تشدید حذف می گردد: جدی / جیددی، قله / قوللا، مروت / مورؤات، مظنه / مازاندا.
- ۳۴- تنوین به صورت (ان) تلفظ می شود: یقینآ / یاقینان.
- ۳۵- لغات دخیل عربی که به همزه ختم می شوند در تداول ترکی آذری نیز مانند فارسی همزه حذف می شود: املاء / یملاء.
- ۳۶- در لغات وارده عربی که حرف آخر آن (ع) است در تداول ترکی آذری حرف (ع) تلفظ نمی شود: اجتماع / یجیتما، ابداع / بیدآ، شمع / شآم.
- ۳۷- تبدیل (ک) و (گ) به (ئی): اگر / ایار، مگر / مایار.
- ۳۸- تغییر شکل یا تحریف واژگان وارده: آبرو / آبیر- آبرئی، احمق / آخماق، آسان / آسآد، البته / الباتدا، اتفاق / تیفاق، بالش / بالینج، بهانه / مآهنا، وبال / بآبال، بهره / باهار، بدبیه / بدبیثا، بخیل / پآخیل، پشیمان / پشیمان، ترید / تیلیت، دستگاه / دازگاه، رشته / اریشتا، زیرک / زیرانگ، سبک / ساپک، شکنجه / ایشکانجا، طمع / تآماه، طوبله /

تؤیلا، ظلم / زؤلوم، عقل / آغیل، عمر / ومور، عیب / آئییب، غذا / قیدآ، فعله / فاهلا، فقیر /
 فاغیر، فایده / فایدآ، قضا / قآدآ، قلعه / قآلآ، کتیرا / کیترا، کلوجه / کؤلچا، گلوله /
 گؤللا، گوگرد / گوگورد، لعاب / لوزغآب - لبقآب، متاع / مآتآه، مسجد / ماجید، مهر /
 مؤهور، وقت / وآخت.

۳۹- هیئت جدیدی از لغات وارده ساخته می شود که فقط در زبان آذربایجانی کاربرد و معنی
 خاص دارد: در کار ائتمک، در میان ائتمک، در دست ائتمک، دوخیش و...

۴۰- تعداد کثیری از مفردات و ترکیبات لغات وارده در زبان آذربایجانی کاربرد و یا مفهوم و
 معنی دیگری غیر از زبان اصلی دارد.

۴۱- لغات وارده به زبان فارسی که ابتدای آنها با (س) یا (ش) ساکن شروع شود در زبان فارسی
 معمولاً (ا) به ابتدای آن اضافه می شود. در زبان آذری به ابتدای اینگونه واژه ها مصوت (ای) افزوده
 می شود: (لغت اصلی / فارسی / آذربایجانی).

سپورت / اسپرت / یسپورت، ستراتژی / لستراتژی / یستیراتژی، ستادیوم / اسنادیوم /
 یستآدیوم.

۴۲- لغات وارده پس از هم آهنگی با گویش آذری انواع پسوند ها و پیوندهای (فعل، صفت،
 ظرف، ضمایر، غیره) پذیرفته و طبق قواعد دستوری زبان آذری تصریف می شوند و هیئت اصلی
 آنها دگرگون گردیده صفت لغت میزبان را به خود می گیرند: ترک / ترگیتماک، زور /
 زوررآما، حق / هآقق، هآققئی.

۴۳- گروهی از لغات دخیل تحت تأثیر دگرگونیهای فوق الذکر و به جهت همخوانی با آهنگ
 گویش ترکی آذری چندین تغییر مصوت یا صامت را می پذیرند.

لغات دخیل، به ویژه لغاتی که از طرف توده مردم پذیرفته و استعمال می شوند در زبان میزبان
 جا باز می کنند و با قواعد زبان میزبان همخوان و سازگار می گردند و نه فقط شکل و رنگ لغات زبان
 خود را می گزینند بلکه از جهت معنی و مفهوم و کاربرد نیز از لغت اصلی دور می افتند. بالاخص
 واژگان و اصطلاحات مربوط به عقاید دینی و مذهبی که کاربرد گسترده و روزمره بین توده مردم
 دارند. هر آذربایجانی روزی ده بار کلمات { آلاّه، بیسمیلاّه، یمآم، نآماز، ماجید و... } را با
 گویش خاص خود به کار می برد و آنها را از آن خود می داند، در ایام عزاداری از صمیم
 قلب و با احساس عمیق (شآخسئی - وآخسئی) را بجای (شاه حسین - وای حسین) فریاد
 می زند، اگر کسی به زبان آذربایجانی می نویسد باید این ویژگی را رعایت نماید.

واژه (عقل) در تداول آذربایجانی (آغیل) تلفظ می شود و در تصریف، بر اساس هم آهنگی با
 قواعد زبان آذری به اشکال (آغلی، آغلینآ، آغیللی، آغیللی لیق و...) درمی آید که شباهتی به
 لغت اصلی ندارد.

نمی توان در نوشتار ترکی آذری (مهر) نوشت و باید (مؤهور) نوشته شود و بر همین قیاس اگر

قرار است (ظلم) را (ظولوم) نوشت و هیئت و تلفظ اصلی لغت را مطابق گویش آذری دگرگون کرد پس ساده تر این است که به صورت (زولوم) نوشته شود.

به جرأت توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق لغات وارده در زبان آذربایجانی در تداول ترکی آذری یک یا چند دگرگونی یافته اند و باید در کتاب لغت آذربایجانی واژه های وارده مطابق گویش آذری ضبط گردد. اگرچه در این کتاب به تبعیت از املاء مرسوم لغات وارده با املائی فارسی آن آورده شده ولی در داخل آکلاد تلفظ آذربایجانی آن با الفبای پیشنهادی نوشته شده است به استثنای لغاتی که در املاء مرسوم مکتوب با ملفوظ تطبیق داده شده که املائی متداول اینگونه لغات ذیل ماده مستقل داده شده است. املاء لغات وارده به خاطر دگرگونی در تلفظ آذربایجانی آنها پیچیدگی و پریشانی خاصی را پیش آورده که خوشبختانه مشاهده می گردد که به تدریج هویت آذربایجانی آنها در نگارش غلبه می یابد.

«س» به کار رفته است)

- ۱۶- ش- ش- : شاختا، یشیق، بنش، ماش.
 ۱۷- ع- ع- ع- : (در لغات دخیل کاربرد دارد) دوْعا.
 ۱۸- غ- غ- غ- : آغاج، ییغماق، داغ، بیغ.
 ۱۹- ف- ف- ف- : فارا، افاندی، قوسفور، داف، قیف.
 ۲۰- ق- ق- ق- : قاش، آقشام، یاپیشقان، آجیق، قولاق.
 ۲۱- ک- ک- ک- : کاپاناک، اکین، یکی، اسکیک، بارک.
 ۲۲- گ- گ- گ- : گون، دارگی، یگید، جالانگ.
 ۲۳- ل- ل- ل- : لال، آلاماق، بیلماک، لیل.
 ۲۴- م- م- م- : مارآل، اماک، شیمشاک، یارنم، کوم.
 ۲۵- ن- ن- ن- : ناخیر، یانار، یئنی، گشن، ون.
 ۲۶- و- و- و- : وآر، تو، وؤ.
 ۲۷- و- و- و- : وجوز، بوز، قوزو.
 ۲۸- ۆ- ۆ- ۆ- : ۆز، گۆلۆش، کۆرۆ.
 ۲۹- ۇ- ۇ- ۇ- : ۇت، دۇن، بۇغاز، کیلۆ.
 ۳۰- ۇ- ۇ- ۇ- : ۇبۇش، دۇرد، گۆز.
 ۳۱- ۱- ۱- ۱- : ۱اغ، ۱ایاق، ۱امیاشیل، نشی، آ۱ی.
 ۳۲- ۱- ۱- ۱- : ۱یل، د۱یل، ا۱گید، ا۱ری.
 ۳۳- ۱- ۱- ۱- : د۱یرناق، ق۱یج، قآرشی، قآری.

توجه: به منظور احتراز از تشتت آرا کوشیده‌ام که حتی المقدور از علایم پیشنهادی مجله محترم «وارلیق» استفاده کنم ولی با توجه به اهدافی که داشتم (هرچه کمتر علایم اضافی بکار رود، کلبه مصوتها با نشانه ویژه‌ای نوشته شود و از علائم مشابه برای دویا چند آوا پرهیز گردد و...) پیشنهاداتی شده است که ملاحظه می‌فرمائید.

از: آذربایجان دیلىءنین بضاحلى لؤغتى

سس - یازى باره سینده

(مجله لرین بیرىسى، «آذربایجانجا - فارسجا سۆزلۆک» - ده کئچن «سس - یازى» باره سینده آیدئلاشدیرئجی بیر مقاله یازماغی، مندن یسته میشدی. من حاضیرلادیم و ونون بورادا چاپ و لونماسینی مۆناسیب گؤرؤرم).

... گؤزله نیلمه دن، بیر هفته بو گؤرؤش دن سؤنرا، بیر آغیر و قییمتلى اثرى گؤزدن کئچیرمه یه نایل و لدوم. بو اثرده قرآن مجیدال یازما و چاپ و لونموش، بلیکن نۆسخه لریندن باشلا یاراق سؤن زامانلاراقده ر تۆمونه لر وئریلمیشدی. بلیکن نۆسخه لر کوفى خطى یله یازیلیمیش (تۆمونه سینی «تاریخ خطهای جهان» ترجمه فیروز رفاهی دا گۆرمک و لار) و چاپ و لوموشدور.

کوفى خطى ۲۲ صامیت حرفدن عیبارت یدى و صایت حرفى وچۆن معین یشاره لری یۆخ یدى. بو البقا همین اسکیک لشی یله فنیقى البقاسیندان فایدالانان بۆتۆن شرقى البقالارین و جۆمله دن عرب البقاسی نین اساسینی تشکیل ئدیر و یاشاما قدادیر. «بندی کى فارسى البقاسی، عربی، نبطی، آرامی، فنیقى البقاسی نین تکامؤل تاپمیش یدامه سی دیر» (فقه اللغة ایرانى).

قرآنین سؤن نۆسخه لرینده بۆتۆن سسلر حرکه یله گۆستریلیر. هامی، هر میللت دن و لورسا ولسون، البقانی و حرکه نی وئرنمکله یازى لاری دۆزگۆن و خوتا ییلیر.

قرآن خطى نین ینکشاف گندیشى آیدئین یقلا آشاغنداکی نتیجه لری گۆستریر:

۱ - کوفى خطینه نؤقطه و حرکه آرتیرماقلا بو گۆنکۆ کامیل و گۆزل عرب

خطی یارادیلیب. سون زامانلاردا قرآن نؤسخه لری، ولدوقجا گوزل، آسانلیقلا، دؤز گون و خونان بیر خط یله چاپ و لموشدور. ونا گوره حتا ساوادسیزلاردا آز موددتده قرآن و خوماغی ویره نه ییلیر و و خوتا ییلیر.

۲- خطین کامیل لشمه سی، یعنی هر صایینی حرکه لرله گؤستریمک نتیجه سینده، یازیلان متن لر دؤز گون و خونور. توخونولماز قرآن سوزلری و لدوغو کیمی ساخلانیر، آیه لرین دؤز گون و خونماستیا یمکان یارائیر.

۳- خط تله گوزل لشیب کی، و خوماغا مارق یارادیر. یوخاریدا خولا صه و لاراق بشاره تندییمیز قرآن خطی نین ینکشاف گئدیشی و الده و لان هدفلرینی نظر آلاراق، دئمک و لار کی، بسیزده خطیمیزی همین هدفلرله و یغون تکمیل لشدیرملی تیک.

«سس - یازئ» قایدالاری دؤز گون، دیلیمیزه و یغون شکیلده قورولسا، دیلیمیزین آهنگدارلیغی قوروناجاق، و نو و خوماق و یازماق آسانلاشاجاق، خالقیمیزین ساوادلانماستیا الوثریشلی شرایط یارانا جاقدیر.

یازیمیزدا پوزغونلوق و قایداسیزلیق.

بو گونکو یازیمیزدا واحید بیر قایدا یوخدور. بئله گورؤتور کی، هر کیم، هر یترده، هر نه جور یسته ییر یازیر. نومونه و لاراق آشاغیدا کی لاری گؤستریمک و لار:

الف - آذربایجانجا سوزلرده.

- یو و لاراق صایت لری یالیز «و» علامتی یله یازیرلار. مؤختلیف سسلی یو و لاراق صایت لری نیشانه لرله آتیر دئمگه ماراقلانمیرلار.

- «یالیز» و / گوز، علامتینی یشله دیرلر.

- یو و لاراق صایت لردن «ؤ / گوز، و / ون، و / وچ، علامت لرینی یشله دیرلر.

- فتحه و کسره یئرینه بعضی سوزلرده «ا، ه، ه، ت» یشله دیلیر. حتا بئله بیر «ه» نیشانه کسره یئرینه یشله نیب. عیثنی حالدا هر یازیچی و ز یستینباط و سلیقه سینه و یغون و لاراق بو علامت لردن یستیفاده ئدیر. چوخ یئرلرده بو سسلر نیشانه سیز یازیلیر. بیر مجله نین باشقا مقاله لرینده، دئمک و لار کی، حتا بیر مقاله نین یچینده عیثنی سوزون یکی یا نچه جور یازیلدیغی گورؤنوب.

- «آجی» سوزونده و لان «ئی» صایینی مؤختلیف شکیلده یازیلیر: «ی، ی، ی، ی، ی».

- صلیت لره گلدیکده «ت، س، س» سسلری قالدین صایت لردن اول گلدیکده «ط، ص، ص»

شکلینده یازیلماسی دا آز - چوخ گۆزه ده ئیر: «صو، وطاق».

- «ک. گ» یکی مصوت ورتاسیندا «ئ» سسی وئریر. یازیدا وچ «ب» علامتی نین بیر - بیرین آردینجا یازیلما سین دتیه، «ک، گ» ده نیشمه ز قالدیر: یگیرمی / بیرمی.

- یکی «ب» آردینجیل گلدیکده بیرنجی سی «غ» یازیلیر: آلاجاغیق / آلاجاغیق.

فتید:

بو یکی سۆن شکیل لرده یازماق غلط سانئلمیر. لاکین «ک، گ» یکی مصوت آراسیندا «ب» سینیه و «آلاجاغیق» «آلاجاغیق» شکلته کئچمه سی دبلین معین ینکشاف مرحله سی و بو گۆنکۆ آذربایجان دیلی نین خوصوصیتا تیندن دیر. آنجا یازئی دؤلاشیق لاریننی آرادان قالدیرماق مقصدی یله وئلائی ده نیشمک دۆزگون و لایلمز.

- کۆک و شکبلجی لرین، مۆرکب سۆزلرین یانیشیق یا آئیری یازیلما سی، هابئله وئلائی پارجالاراسیماسی واحید یملایا قالدالاری ویره دئیل.

ب - آلتیما یابانچی سۆزلر

باشقا دیل لردن، خوصوصیله عربجه / فارسجادان آلتیما سۆزلرین یملاسی و لدوقجا قاریشیق و ساھمان سیزدیر:

- بعضی لری، آلتیما سۆزلرین فارسی دا وئان یملاشکلی نین تانیشلیق و آسانلیغینی نظره آلاراق، بئله کلمه لری آذربایجانجا دئییلیشینه باخما یاراق، فارسی شکلینده یازیلار: غصه، انقلاب.

- بیر عیدده یازیلجا لاردان یالئیز بیرنجی هئجانی، آذربایجانجا تلفوظه وئغون یازماغی مصلحت گؤرؤلر.

- بعضی سۆزلرین فارسی قالئی نی، آذربایجان تلفوظونه وئغون وئلاقی پوزورلار، لاکین سۆزۆن منشائینده وئان «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ» حرفلرینی ساخلا یئرلار. بئله بستیدال ئدیرلرکی، سۆزۆن اصلی یتمه سین و هانسی دیله منسوب و لدوغو بللی ولسون: ظلم / طولوم، حلال / حالال، حکومت / حوکومت،... یازیلیر.

بیزجه، سۆزلرین منشائینی یملادا گؤسترمک ضروری دئیل بو دلیل گؤره یملانی قاریشدیرماق منطقی نظره گلیمیر. عئینی حالدا بونودا قئید تنمک وئلاکی، چوخ سۆزلرده بئله گؤستریجی حرف یۆخدور و یملاشکیلدن وئون منشائینی تانیماق وئلمور: دوست،... سۆزۆن قانیاغینی، یملاشکیلدن وئیره نمک بیر اصل وئلا یلمز.

- بیر قایدا ۇلاراق دئییلیر کی، آلتیما سۆزلر «آذربایجان لاشمیش» ۇلوسا، آذربایجانجا دئییلدیپی کیمی یازیلمالی، یۇخسا اصلی یملا شکلی ساخلانیلمالیدیر. بو قایدانی عملده تطبیق شمک نه ضابطه یله ۇلمالیدیر؟ یئنه ده هر یازرچی ۇز یستنباطی اساسیندا بئله بیر قایدانی یجرا ئده جک ۇ یازی دا باشقالیق داۋام ئده جکدیر.

- گئندیکجه آرتماقدا ۇلان، آلتیما سۆزلرین آذربایجان دئییلیشینه وئغون یازیلماسی گئندیینی قئید شمک ۇلار: آغیل، آمما، مۆمکۆن، تیلیسیم، خالق، سحیرلی، ماجال،...
- کلمه لرین عربی ۇ فارسی قالیلار ی سئیدیرلیب یازیلدیقدا ئله شکیل ۇزۇنه آلیر کی، نه عربی دیر، نه فارسی ۇ نه آذری، مث. : عۆمۆر، حۆکومت، طولوم.

یملا مسله سینده پۇزغونلوق، قایداسیزلیق، البته بۇئۆک نۇقصان دیر. دشمک ییزیم ۇاحید الیفبائیز، ۇاحید یملا قایدالاری یۇخوموزدور. آمما، منجه حاضیر کی وضعیت دیلمیزین یازیلیش قایدالارینین ینکیشافیندا مثبت کئچید مرحله دیر. دیلمیزین طلباتیا وئغون، کامیل الیفبا ۇ یازی قایدالاری یارانماقدادیر. کۆهنه قالیلار سیئر، دیل ۇز یستقلال ۇ شخصیتی نی تانتیدرماقدادیر. یئری گلمیشکن قئید شمه لی دیر کی، یل لرله ۇتائی لا بو تائی آذربایجانین آیریلماسی ۇ ادبی ینکیشافین گئدیسی نین باشقالیغی، بو گۆنکۆ شرایطده چۇخ قوری ۇ اهمیتیلى ۇلاراق یازرچیلار ی امکداشلیقا چاغیریر.

ۇتائی دا دیلمیزین ادبی ینکیشافیندا چۇخ بۇئۆک ۇ ده ئرلی یشلر گۆرۆلۆب، لاکین بو ۇ دشمک دئییل کی، ۇرادا گۆرۆلن یشلرین هامیسی نی ییز تقلید شمه لی ئیک. هر شئی دن اول الیفبا مسله سی گۆزه چارییر. اگر بوتائی لا ۇتائی مۇناسیب بیر الیفبا قبول شمه سهر، بیر- بیریمیزه یاخینلاشا یلمه به جه ئیک. ۇنلار کرلیک الیفباسی یله یازیرلار، تۆرکیه لی لر لاتین الیفباسینی، کئچمیشده ۇتائی دا یشلندیپی شکیلده، یره لی سۆرمۆشلر؛ یرانلی لار فارسی الیفباسینی مۆشرک تاریخی الیفبا ۇلاراق پیشهاد شمیشلر. بو مقاله مسله نین سیئاسی هدفلریله ماراقلانمیز. تورقوت وزال تۆرکیه جمهور رئیس، چۇخ آچتیق بیلیدیرمیشدیر کی: تۆرکیه غرب دۆلترلرینین تۇۋسبه سینه اساسن، فاناتیزم نۇفۇدونون قاباغینی آلماق مقصدیله، شۇرۇی آذربایجانیندا چۇخلو سرمايه قۇتاجاقدیر!- یز یالتیز دیل ۇ الیفبا مسله سی حاقئیندا بونو دشمک یسته ئیریک کی، الیفبا یرلیشی یر ضرورت دیر. نجه ۇ هاۋاخت حثاته کئچیریله جه ئی ساده یر ییش دئییل. هله لیک بیر عیدده فارسی الیفباسی نین چتین لیشی نی بۇئۆک بیر مانع کیمی سائیرلار. ینصاف ۇزره بو حقیقتی گرک قبول شمک کی، «سس- یازی» یله مۇقاییسه ده، بو قضاۋت دۆز گۆندۆر. خوصوصیه، کامیل ۇ ساده یر الیفبا یله یازماق ۇ ۇخوماق ۇیره نیب عادت نند یر خالق، یازی

هئجائی و یارئی الیفبائی فارسی خطی یله یئنی دن تعلیم و ترمک بؤیۆک چتین لیکلره معروض قالاجاقدیر... ماراقلی دیرکی، بیزیم آذربایجانجا واحید الیفا و یملاقایدالاری و لمادیغی حالدا قونشولاری نه یه دعوت ئدیریک؟! بونا گۆره ده بیز فارسی الیفباسی اساسیندا آذربایجان دیلی و چون واحید الیفا و یازئی قایدالاری یاراتمالی و و تائادا پیشهاد ئتمه لی ئیک. شۆبهه یۆخدورکی، هله لیک یالئیز بیز فارسی الیفاسینی بشله دیریک، ونون ینجه لیکلرینه تائیشیق و بئله بیر الیفانین تعین ئتمه سی بو تائی یازئچیلارینین بؤتونا دۆشۆر. منجه «آذربایجانجا - فارسجا سۆزلۆک» ده پیشهاد ئتدییم الیفا و یازئی قایدالاری کامیل ساده و قانونا و یغون و لدوغونا گۆره، اساس کیمی گۆتۆرۆله یلر.

بو کنچید مرحله سینده، مطبوعات و یازئچیلاریمیز تاریخی بیر وظیفه قارشئ سئدا، وز عۆده لیکلرینی آچئق گۆزله و یلر کدن یئرینه یئتیرمه لیدیرلر. دیلمیزین خوصوصیياتینا و یغون واحید یازئلیش قایدالاری یاراتماغا و عۆمومی لشدیرمه یه و بوقاتما - قارشئق وضعیته سون قوماغا جالئشمالی دیرلار.

دیلمین و زلۆیۆ و منلیشی قۇرونمالیدیر.

هر دیلمین، و جۆمله دن آذربایجان دیلی نین سس قورولوشو، سۆز قورولوشو، جۆمله قورولوشو و سۆز خزینه سینین معین خوصوصیياتی واردیرکی، و دیلمین یصالت و شخصیتی نی گۆستریر. بو خوصوصیيات و قده ر گۆجلۆدۆرکی، آئینما سۆزلری ده وز تائیری آئینا آئیر. مادامکی، بیر دیلمین یصالتی قۇرونور، و دیل و مدنییت یاشائیر. بیزیم دیل سینخئنین لارا معروض قالماغینا باخما یارق، ونون خوصوصیياتی، آهنگدارلیغی، واریغی، خوصوصیله خالق دیلمینده قۇرونوب ساخلانمیشدیر. یازئی دادا ئله بیر یۆل سئچمه لی ئیککی، دیلمیزین خوصوصییت لرینه اساسلانا راق، ونون یستقلالینی، و زلۆتۆنۆ، منلیشی نی قورویاق. باشقا بیر سۆزله الیفا گرک دیلمین طلباتینا گۆره دیلده یشله نن بۆتون (صامیت و صایت) سسلری گۆسترین و مۆستقیل یازئی قایدالاری، دئیشیلش له یازئلیشین و یغونلوغو اساسیندا دیلمین خوصوصییت لرینی عکس ئتدیرسین. مۆستقیل دیل، مۆستقیل الیفا و یازئی قایدالارینا مالیک و لمالیدیر. نئجه ولا بیلرکی، بیز آذربایجان دیلمینده یشله نن سۆزلری عرب و فارس یملاسی شکلینده یازئیب، آذربایجانجا و خوتارکن (مثلن «مهر» یازئیب «مۆهور» و خوتارکن) یددیعا ئده بیلیریککی، بیزیم یملامیز مۆستقیل دیل و دیلمیزین خوصوصییت لرینی گۆستریر؟

دیلمین خوصوصییت و یصالتینی نظره آلاراق، مۆختلیف میللت لر مۆشترک الیفادان بیر

پایه کیمی یستفاده شدی حالدا، وز دیلی نین طلباتینا گؤره ونا یشاره لر آرتیرمیشدیر. فارسی خطینی و یملاسیئی گؤتورک: فارسی دا عرب الیفباسیئی پایه گؤتورولمه سی و ونو فارس دیلی نین طلباتینا گؤره کامیل لشدیرمک باره سینده «آذربایجانجا - فارسجا سوزلۆک» - ون مۆقدیمه سینده فارسی ادیب لرینین نظریه لریندن پارچالار گتیرلمیشدیر. بورادا آرتیرمالی یئق کى: «عرب خطی ونبه نؤقطه سیز یدی... تدریجله برانلی خطا لار طرفیندن تکامول تاپدی و فارسی درى یازیلشیشنا یارارلی ولدو. یعنی اسلامی دؤورونده ایرانین رسمی لهجه سینین کتابت خطی ولدو» (دکتر ذبیح اله صفا - تاریخ ادبیات، ج ۱، ص ۱۵۵).

عرب الیفباسیئین صابت حرفلرینین نؤقصانین دان علاؤه «برانلی دیل لرده یشله نن ننبه صابت حرفی ده یؤخ یدی. مثلن: پ، چ، گ، ز، بو صابت لر وچون عرب حرفلریندن یستفاده نده رک نیشانه لر آرتیرماقلا یئقنی حرفلر دؤزلتدیلر و دؤرد حرف عرب الیفباسینا یضافه شدیلر». (فقه اللغة ایرانى، ص ۲۴۸). «افغان، کورد و باشقا برانلی دیل لرده ولان سس لری یازماقدان وترو یسه عرب حرفلرینده ونغون ده یشیک لر وتریلدى». (فقه اللغة ایرانى، ص ۲۴۹).

دئمک ایرانلی لار عرب الیفباسیئی بیر پایه کیمی گؤتوروب آرتیرمالارلا ونو وز دیل لرینی یازماق وچون کامیل لشدیردیلر. لاتین و یونان خطلریندن فایدالانان باشقا میللت لرین خطلرینده ده بو کیمی تفتیرات گؤروئتور.

یوخاریدا دئییلن لردن بو ننبه چنبخیر کى، بیر دیلین یازى خطی ونون خوصوصیت لرینی عکس تشدیرمه لیدیر، یعنی خط دیلین خاصه لرینه تابع ولمانایدیر.

سوز یؤخ کى، معلوم عیبلت لره گؤره بیزیم دیل، فارس و عرب دیل لرینین گؤجلؤ تاثیرى آلتیندا ولموشدور. دیل لر آراسیندا لؤغت موبادیله سی مرسوم دور. آنجاق آلتینما سوزلر معناجا، سس قورولوشو و دستور قایدالاری جهته آلان دیلین خوصوصیت لرینه تابع ولور. دانیشیق دیلده ولدوغو کیمی، یازى دا دا بو اصل ریعايت و لونمالیدیر. لاکین بیزیم مۆوجود خط بو هدفی وده مه نه کیفایت شتمیر. باشقا عامیل لرده دیلیمیزین، خوصوصیه یازى دا، صاف لاشماق گشدیشینی لنگیدیر. ساوادللی لاریمیز فارس دیلینده وخوماق و یازماغی ویره نمیشلر. سوزلری فارس و عرب یملاسی یله یازماق، ونلار وچون آسان راق دیر. چؤخلو لؤغت لری فارسی تلفوظ یله بیان شمه یه آلتیشمیشلار. آذربایجان دیلینده مکتب و درسلیک یؤخدور. علمی، سیاسی و یجتیماعی... یصطیلاح لار بو دیلده، البته جنوبدا، یارانما یئیب، فارس دیلینده یشلندیی کیمی یستفاده و لونور... و تائی آذربایجانا گلدیکده، گؤرؤنور کى، روسجادان و روسجا یؤلویله وروپا دیل لریندن آلتیان سوزلر آغیرلیق ثدیر. خوصوصیه قئبد تمک لازیمدیر کى، بو کیمی یابانچی

سۆزلر، اصلی دیلده ۋلان تلفۇظ ده یازیلیر. میثال ۋچون: ساموۋار، شلیپا، سپیرت، شوفور، ستراتژی، ستول ۋ... آد آپارماق ۋلار. حالو کی خالق دیلنده: سیماور، یشلیپا، سپیرت، شوفر، یستیراتژی، وستول ۋ... دئییلیر. یعنی آلتیما سۆزلر، خالق دئییلیشیده دیلیمیزه ۋیغونلاشیپ تلفۇظ ۋلونور، آمّا یازیللی ۋ ادبی دیلده، اصلینده تلفۇظ ۋلدوغو کیمی ساخلانمیشدیر. بوجور یابانچی سۆزلر ۋ یفاده لر حدیدیندن آرتیق یشله نیر، ئله کی بوتائی آذربایجانلی لارا ۋنلاری ۋخوئوب قاۋارماق قئیر. ی مۆمکۆن یا چوخ چتین دیر. هم ده دیلیمیزده یابانچی ۋلان «مذکر، مؤنث» حالت لری یشله دیرلر: رفیقه، طالییه ۋ...، فارسی کلمه سینى عربی صیغه لرینده صرف ئدیپ «تخررؤش» کیمی لؤغت دۆزه لتمیشلر کی حتّا علمی یازی دا دا یشله نیر... آرزئی ۋلونور کی، ۋتائی دا دیلی صاف لاشدیرماغا، آذربایجانجا بصطلاح لار یارادیپ یشلمه ته جبدی دیققت یئتیرمکله، دیلیمیزین بیر گه ینکیشافتا یاخین لاشماستیا چالیش سیلار. ۋتائی دا، فارسی ۋ عربی دن آلتیما سۆزلرده ده بو حالت لر گۆزه ده ئیر: الف) آلتیما سۆز دیلین قانونلارینا ۋیغونلاشیپ ۋ ۋنون آهنگینی قبول ئتمیشدیر؛ ب) آنجاق بیرنجی هنجادا دیلین آهنگی قبول ۋلونور ۋ باشقا هنجالاردا اصلینده ۋلدوغو کیمی قالیر: ۋسلوب، ۋصول...؛ ج) هنج ده ئیشمه دن اصلی آهنگینی ساخلاییر.

بو دؤنمک دئیل کی، خالق دیلینده ۋ لهجه سینده ده بو کیمی آلتیما سۆزلر ده ئیشمه ز قالیر، یؤخ، آلتیما سۆزلر خالق تلفۇظونده دیلیمیزین قانونلاری یله ۋیغونلاشیپ، آنجاق ادبی یازی یله خالق تلفۇظ آراسیندا آرالیق ۋ آیرئلیق گۆرۆنۆر. بونون عیللت لری ۋ آرادان قالدیرماسی باره سینده ۋزلری دۆشۆنمه لیدیرلر. دئییه سن بونا گۆره دیر کی، بئله بیر غیر علمی نظریه ته راست گلیریک: «اهالی نین مۆطلق اکثریتی محلی لهجه ده، آذربایجان تور کۆسۆ دیلینده دانیشیلار. بو لهجه نین مشخصاتیندان بیر ده ۋنون فارسی آهنگی - نده ۋلماسیدیر ۋ یکینجی سی آهنگ قانونون ریعایت ۋلونما ماسی دیر کی، بونلارین هر یککسی ده تورک دیلینده دانیشان آذربایجانلی لارین اصل ۋ منشائی نین قئیر. ی تورک ۋلدوغونا نبوت دور». (دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱، ص ۵۰). (سۆزلرین آلتیا یز جیزگی چکمشیک).

بو نظریه نین مۆقددیمه سی، بیر بارا بصطلاح لار ۋ ۋز اصلی تلفۇظ شکلینی ساخلامیش آلتیما سۆزلرین ادبی دیلده یاشاماسینی نظرده توتور ۋ آلدیغی یانلیش نتیجه معین مقصد داشییر. اگر بئله یسه، ۋندا روسجادان آلتیما لؤغت لرده تور کۆ دیلی نین آهنگ قانونونا ۋیغونلاشما دان یشلندیی سببه، «نظریه» صاحبی لازیم گلدیکده دئییه بیلر: «آذربایجانلی لهجه» - ده دانیشانلارین دیل منشالری روسجا دیر!

هر حالدا دیلمیزین یصالنینی و خصوصیت لرنی نظره آلاق، دئییش ده ولدوغو کیمی اصل آهنگدارلیغینی قوروماق، یابانچی دیل لرن تأیریدن تمیزلمک، آلتما سؤزلر یسه ادبی و یازیلدی دیلده آذربایجانجا تلفوظونه و یغونلاشدیرماق مسله سینى گوزو آچیق لیقلا گرک بیر وظیفه تانیماق. ونا گوره یملایندالارینی ساھمانا و نظاما سالماق، اساسی ولاق دئییش له یازیلیش و یغونلاشماسینا چالیشماق، مؤھوم رول وئاییر.

صوحت لردن بله آنلاشیلیر کی، یازی قایدالاری حاقیندا مؤخلیف نظرلر ولدوغو حالدا، تام اکثریت «سس - یازی» - دئییش له یازیلیش و یغونلاشماسی طرفداری دیرلار. لاکین آز - چوخ آشاغندا کی نظریه لره طرفدارسیز دئیل:

۱ - آلتما سؤزلری، خصوصیه فارسی و عربی دن آلتما سؤزلری اصلینده ولدوغو کیمی یازمالی ییق. چونکی، بله لیکله ونون منشا و هانسی دیله آید ولدوغونو تانیماق وئار!

ئتمک هر آذربایجانلی، عرب و فارس دیل لرنین لوغت و دستور قایدالارینا ئله مهارت تاپمالیدیر کی، وز دیلینده یازماق یسته ئین ده، قاباقجاندان بیلمه لیدیر کی، معین سوز هانسی دیلدن آلیش و ئله ده یازسین.

عادی آدمالار نظرنجه آلتما سؤزلرین هانسی دیله منسوب ولدوغو مطرح دئیل. وئلار بو سؤزلری وز دیل لرنین عوضو و سائر و ونون واسیطه سیله دانیشیر و فیکرینی یفاده ئدیر. سؤزلرین هانسی دیله منسوب ولدوغو دیلچی لرن بشی و تخصصی دیر. «درده جر» اصلینده پهلوی دیر و یاخود «فینجان»، «لگن» یونانچادیر، لاکین خالق وئلاری ووزونکؤ تانی و بشله دیر. بو نظریه عملی جهندن آباریچی دئیل.

۲ - بیر عیدده دئییرلر کی، هر دیلده ولدوغو کیمی، «ادی» دیل یله «دانیشیق» دیلی فرقلی دیر. بو دوز گوز مؤقدیمه دن یانلیش نیجه آلیب پیشهاد ئدیرلر کی، دانیشیقدا بشله نن «ظولوم» ادبی دیلده «ظلم» یازیلمالیدیر. بولار «ادی» دیل دئدیگده فارسی و عرب دیل لرنده بشله نن شکیل لری اساس گؤتورورلر. بو حقیقتی ونودورلر کی، فارسی ادبی دیلینده «ظلم» یازیلدیغی حالدا، آذربایجان ادبی دیلینده «ظولوم» تلفوظ وئور و بشله نیر.

۳ - سؤزلرین فارسجا یملاسینا گوزلر عادت ئدیشی و چون لوغت لری بو شکیل ده یازماق و خوماق ساوالدی لاریمیزا آساندیر. ونا گوره ده بیر عیدده ساوالدی لار، طبعی ولاق، سؤزلرین فارسی یملایله یازیلماسی طرفداری دیرلار. حالوکی، یازی و چون الیغا تعین ئتمک و یازی قایدالارینی ترتیب ئتمکدن وئرو معین بیر عیدده و یاخود حاضر نسیل نظرده نوتولمور، دیلین خصوصیت لری، مقتضات و یصالتی اساس گؤتورولور.

۴ - موحافظه کار روحیه یت مالیک و لانلار، مرسوم یازئی شکلی نین ده یشمه سینه ذنهنی حاضیرلیقلارئ و لمادیغی و چون، «ظلم» کلمه سینی «ظولوم» یا «زولوم»؛ «عقل» کلمه سینی «آغیل» شکلینده یازماغی گونا ه سانیرلار. بونلار ونودورلار کی، عربلرده آلتیما سوزلری و زیملای قایدالارینا و یغون یازیئرلار، فارس لاردا عرب و تۆرک دیل لریندن آلدیققلارئ سوزلری و زیملای قایدالارینا و یغون تلفوظ ثدیر و یازیئرلار. مثلن «قرآن» کلمه سی عربجه «قرآن» یازیئر و یکی دیلده و لان تلفوظ فرقلری آیدین دیر.

هر یرانلی طرفیندن گونده بؤللوجا یشله نن «آقا»، «خانم» سوزلری اصلینده تۆرک و لدوغو حالدا، فارسلار بو کلمه لری «آغا»، «خانیم» تلفوظ یتیمیر و بو شکل ده یازمیئرلار. بلکه، فارسی دیلی یاتیمینا و یغون و لراق تلفوظ ثدیر و یازیئرلار. بو و معنایا دتیل کی، فارسلار تۆرک و دیلینی تحریف و و نا توهین ثدیرلر. و نلار یابانچی سوزلری و زیملای لرینه و یغون دانیشیب - یازماقلا لاب دوز یش گورورلر.

آلتیما لؤغت لر باره سینده موحافظه کارلئق، خوصوصیله کتچمیشده، بیر بارا «عربی دان» فارس ادیب لری نظریه لرینده ده گوجلوییدی. لاکین، فارس دیلی و زیصالت و قودرتی سایه سینده بله موحافظه کارلیغی آرادان قالدیریب، گشتدیگجه عربی دن گلمه لؤغت لرین تلفوظ و یملای شکلینی فارس دیلی نین طلباتینا گوره یشلمه یت یول آچمیشدیر.

بو باره ده «آذربایجانجا - فارسجا سوزلۆک» - ون موقددیمه سینده فارس دیلی وستادلارینین نظرلریندن سچمه عیارتلر و دلیل لر گتیریلیمیشدیر. فارس دیلی نین یصالت، یستقلال و وارلیغینی قوروماق و چون، و رادا گتیریلن دلیل لر، آذربایجان دیلی نین ده وارلیق، یستقلال، منلیک، و زلویوتو یاشاتماق و چون تطبیق و لونور.

۵ - کتچمیشده، یملانین آذربایجان دیلینه و یغون یازیئلماستینا سییاسی معنا و ثرن لرده واریدی. یندی بو سوزلر کوهنلمیش و ئعتیارستزدیر.

الیفا و یملای قایدالارئ دیل چیلیک نؤقته - یتی نظریندن اساسی بیر بحث دیر. آچئق - آیدین دتمک و لار کی، آذربایجانجا یملای مسله سی و ز مقصدینی معین لشدیرمک و بو مقصد ده و غرو گشتیمکده دیر. سس - یازئی و تلفوظ له یازئی نین و یغونلاشماستی باشلانمیش، بو هدف ده و غرو جسارتلی آدیملار آتیلیمیش، ینکشاف و عومومی لشمک یولونا یولنیمیشدیر. لاکین هله لیک قطعی و عومومی قایدا شکلی آلمانمیشدیر، چونکی: (۱) مرسوم یازئی یا آلتیمیشیق و عادتلی ده یشمک بیر یوللوق و سورعتله و لاسی دتیل؛ (۲) واحید یملای قایدالارئ یارانمیشدیر؛ (۳) آذربایجانجا مکتب و درسلیک یوخدور، مطبوعاتیمیز آراسیندا هماهنگ لیک یارانمیشدیر.

گنیرمک (۱۰۰۰). حتا فارس و عرب دیل لریندن آلتما سۆزلردە آذربایجان تلفوظونه ویتون یازیلیر و گنیدیکجه آرتماق دادیر. (مثال: مۆمکۆن، آمما، دؤؤلت، حؤکۆمت، سنحیرلی، خالق، حتا، حیوان، سفه، ماجال، حلال و...).

۲ - آذربایجان ادبی دیلی مطبوعاتدا وۇزۇنه یئر آچماقلا برابر، آذربایجانجا سۆزلر فارس، عرب، لاتین و روسجا یسطیلاح لاری یئرینه یشله نیر. بیر پارا آذربایجانجا یئنی ترکیب لر یارادیلیمشدیر. البته، بو کیمی لؤغت لر و یفاده لرین بیر عیدده سی وۇجولار طرفیندن قارشى لاناجاق و عۇمومی لشفجک و دیلیمیزین ینکیشافیندا و صاف لاشماغیندا مثبت تاثیر باغیشلا یاجاقدیر.

یازیلیش اساس لاری و قایدالاری.

البقا یازئی نین تمل داشی دیر و دیلیمیزده یشله نن بۆتۆن سسلری گۆسترملی دیر. بللی دیر کی، تام اکثریت فارسى البقاسینی پایه گۆتۆرمکله مۇوافیق دیرلر. لاکین آشاغیدا کی مسله لر باره سینده بحث ولا بیلر: آیا سسلری سئزیمک وچۆن معین پایه حرف وزه رینه نیشانه لر قوئولمالیدیر یوخسا یوخ؟ هانسی علامت لر مۇناسیب دیرلر؟ بو نیشانه لرین تام یازیلماغی لازیمدیر یوخسا بیرنجی هئجادا نیشانه یازماق کیفایت ئده ر؟ آیا فارسی دا یشله نن بۆتۆن صامیتلر آذربایجانجا یازئی دا یشلنمه لیدیر یا یوخ؟

نظرده توتدوغوموز اصل لری آیدین لاشدیرماق مقصدیله قئید ئدیریک:

- البقا دیلیمیزین بۆتۆن سسلرینی یفاده ئتمک وچۆن یارارلی وئمالیدیر؛

- هر حرف یالئیز بیر سس گۆستریمک وچۆن یشلنمه لیدیر؛

- نیشانه لر، یندی لیک یشلنمکده وئان نیشانه لردن سؤائی؛ آشنا، ساده، یازیلیشی آسان

وئمالی و نۇقطه لرله یشتیاه وئمالیدیر؛

- آذربایجانجا یشلنمه ین صامیت حرفلر حذف ئدیلمه لیدیر؛

- آلتما لؤغت لردە دیلین عۇضۇ دۆر و همین البقا یله ده یازیلمالیدیر.

بو اصل لری نظره آلاق «آذربایجانجا - فارسجا سۆزلۆک» - ده بیئنه ادا وئان البقا

باره سینده آشاغیدا کی توضیحاتی وئرمک یسته ئیرم:

۱ - آ. یالئیز کلمه نین اولئنده و بعضی آلتما عرب سۆزلرینین اصابتده وئدوغو کیمی

کلمه نین ورتاسیندا بو شکیلده یازیلیر. کلمه نین ورتاسی و سؤنودا «ا» شکلینده یشله نیر. «ا»

علامتی باره سینده آشاغیدا دئییله جک کی، نهنجه جۆره و مۇختلیف سسلر وچۆن یشله نیر و

چنین لیكلر توره دیر.

بیزجه «آ»، کلمه نین هر بئیرینده یالئیز «آ» شکلینده یازئلما لیدیر: (آرالاماق).

۲- (-)، فتحه سسی بو گونکۆ یازئمیزدا دؤلاشیق کلاف دیر. چؤخ یئرلرده یازئلمیر، هئچ علامتی ده یؤخدور. (مثال: لر). کلمه نین اولینده «ا» یازئلیر. بعضن کلمه نین ورتاسیندا و سونوندا «ه» - دن یستیفاده و لونور. لاکین بو علامتلرده یالئیز فتحه نی گؤستر میر. مثلن «ا» علامتی کلمه نین ورتاسیندا و سونوندا «آ» و بعضی گلمه لؤغت لرده (نشأت کیمی) فتحه سسی وئیر، کلمه نین اولینده فتحه و کسره سیندن علاوه ینجه (ی) و یووالاق صایت لر یازئلینشدی بشتیراک ئدیر. یا «ه» - «ه» علامتی آذربایجانجا سؤزلرده و بعضی آلتیما لؤغت لرده «ح» صامیتی بئیرینه یشله نیر، «ه» - «ه» شکلینده کسره نی گؤستریر. قئید ئتمه لیدیر کی، فتحه نی یازیدا گؤستر مکدن وئرو یشله نین بو نئچه خاصیت لی علامت لرین ده یازماغی وچون معین قانون و قایدایؤخدور. بیزجه «-» فتحه سینینی کلمه نین باشیندا، ورتاسیندا و سونوندا یالئیز «ا» حرفی بله یازماق، بو علامت دن تکجه بو سسی یازماق وچون یستیفاده ئتمک بو قارئیشیق وضعیتده سون قوناییلر.

۳- «-» کسره سینینی نشان وئرمک وچون «ئ» علامتی قبول و لونموشدور. لاکین هر یئرده یشلنمیر. سؤزلرین اولینده یضافی بیر «ا» یازئلیر، آلتیما لؤغت لرین اولینده اصلینده یازئلدیغی کیمی، یالئیز «ا» بله یازئلیر. کلمه لرین ورتاسیندا چؤخ واخت هئچ نشان یازئلمیر. تأسؤفه بو علامت هر یئرده «ب» و خونمور، مثلن: «نشئه، مسؤل...» کیمی سؤزلرده عئینی علامت فتحه و سائیره و خونمالیدیر. کسره نی نشان وئرمک وچون «ه» - «ه» علامت لری ده یشلنمیشدیر. بیزجه، هامی سس - یازی طرفدارلاری قبول ئتدیکلری «ئ» علامتی کسره سینینی نشان وئرمک وچون «ئ، ش، ی، ع» شکلینده یشلنمه لیدیر.

قئید ئتمه لیدیر کی، «ئ» علامتی نی کلمه نین آخیریندا یازیلان قالین «ئ» یازماق وچون مۆناسیب گؤردۆک و کلمه نین سونوندا یا تک لیکده گلن کسره سینینی «ی» - «ی» نشان سبله گؤستر دیک کی، بیر - بیرله یشتیاه و لماسین. اساسن کسره سسی کلمه نین سونوندا چؤخ آز یشله نیر. کلمه نین اولینده یسه یضافی «ا» قوئماغا احتیاج یؤخدور. کسره کلمه نین (یستر خودی یستره آلتیما سؤزلرین) هر یئرینده گلدیکده یازئلمالیدیر.

بوناساسن، «نشئه» کیمی آلتیما لؤغت لرده همزه و خوندوغونا گؤره «نشئه» شکلینده یازماق ولار، «مسئله» کلمه سینده ولان همزه آذربایجانجا دئییلیر و یازی دا حذف و لونمالیدیر: مسئله.

۴- یوۋارلاق صایت لرله گلدیکده، دیلیمیزده ۴ صایت یوۋارلاق آدلانیر.

- «ؤ/ گۆز» کئچمیشدن بو شکیل ده یشله نیب و قبول ۋلونموشدور.

- «ؤ/ ۇد»، «ؤ/ ۇزۇم» حرفلری ۋ نیشانه لری آقای دکتر زهتابی طرفیندن یرە لی سۆرۈلۈپ

ۋ آقای دکتر نطقى دا ۇنلار ئى تائىد ئىمىشلر.

بو سىرا صایت لر دىن «و/ وزون» صایتى نى ئازماق ۋچۇن آقای دکتر زهتابى ۋ آقای دکتر

نطقى «و» یشاره سىنى پىشنهاد ئىمىشلر. «آذربایجانجا - فارسجا سۆزلۈک» - ده پىشنهاد ۇلان

الیفبادا «و» علامتى مصلحت گۆرۈلمۈشدۇر. چۈنكى، بو صایت چۇخ یشله نیر ۋ باشقا یوۋارلاق

صایت لرین سىزدیرىجى نیشانه لری ۇلدوقدا بیرىننن ۆزە رینده نیشانه قۇئماساقدا ۇلار.

بئله لیکله یوۋارلاق صایت لری ئازماق ۋچۇن بو علامتلىر پىشنهاد ۇلور: «و/ وزون»،

«ؤ/ ۇزۇم»، «ؤ/ ۇد»، «ؤ/ ۇلچۇ»، عئىنى حالدا بو صایت لر کلمه نین باشیندا گلدیکده

یضافى «ا» ئازماغا نحتیئاج بۇخدور.

«او» حرفى نین پاىه سى یۇخارىداكى صایت لرله بیر ۇلدوغونا گۆره «ؤ» شکیلینده

گۆستریلىپ كى ئىرى گلىده یضاح ۇئریله جک.

۵- «ب، بی، ی» علامتى یکى صایت ۋ بیر صامیت ۋچۇن پاىه دیر، مېثال: یکى، مېخ،

ئای.

بیزیم نظریمیزجه:

الف) بونلارین بیرىسنى علامت سىز ئازماق ۇلار. (ی/ یکى) سسى چۇخ یشلندیشنه گۆره

علامت سىز «ب، بی، ی» شکیلینده ئازىلماستىن مصلحت گۆردۈک؛ بو صایت کلمه نین

اولینده گلدیکده ۇندان قاباق «ا» آرتتیرئلیئر ۋ «ای» شکیلینده ئازئلیئر. بیرجه یضافى «ا» ئازماق

لازیم دئیل: یراق.

بو صایت حاققتىدا قئید ئىمه لیدیركى:

- بۇتۇن صایت لرین نیشانه سى حرفلرین ۇستۇنده قۇيولور ۋ گۆز بونا عادت ئدیر، بیر قاندا

ۇلاراق ۇنون رىعايت ۇلونماسى مصلحت دیر. آقای دکتر زهتابى ۋ آقای دکتر نطقى ده بۇتۇن

نیشانه لری حرفلرین ۇستۇنده قۇئىموشلار، ئالئیز بو حرفین یشاره سىنى حرفین آلتىندا قرار ۇئریلر.

- فارسى حرفلری معین تناسۇب ۆزره ئازئلیئر: ۇچ مۇازى افقى خطّ محدوده سینده. «ا» ۇرتا

خطّ ۇستۇنده ۇتوروب، باشى یۇخارى مۇازى خطّ تۇخونور. «م» ۋ «ی» حرفلرینین یۇخارى

طرفى ۇرتا خطّ ۆزە رینده ۇتورور ۋ آشاغى قورتاراجاغى آلت مۇازى خطّله مماس ۇلور. «ی»

علامتى نین آلتىا نیشانه قۇئىدوقدا بو تناسۇب پوزولور.

- بو صابتی «پ، پ» شکیلنده یازدیقداج نوقطه یله یعنی «پ، پ» حرفی یله یشتیاه و لا یلر.
 ب) «ئ / میخ» سسی باره سینده بیز «ئ، ئ» یشاره سینی قبول ثتمه یمیز باره سینده
 آشاغیداکی ملاحظه ی نظره آلمیشیق:

- بو سس «ئ» علامتی یله یازماق، خصوصیله ال یازمالاریندا، چوخ ثحتمال کی، وچ
 نوقطه لی «ئ، ئ» یله یشتیاه و لا یلر. «ئ» وزه رینده قوئولان «ئ» یشاره سی عادتین صایت لره
 مخصوص جزم و سؤکون علامتی کیمی تانیتمیشدیر. حالبوکی، «ئ» نیشانه سی «ئ، ئ» - ده
 یشله نیر، یازماغی دا اله یاتیر و نوقطه یله ده یشتیاه و لمور.

- سؤن زامانلاردا «پ، پ» علامتی ده مطرح و لوب. عرب و فارس الیفباسینین
 نوقصانلاریندان بیر ی ده پایه شکیل لرین بیر و لماسی و یالئیز نوقطه لرله فرقلمه سی دیر. همین
 مسله ان قدیم زامانلاردان کیتابت ده چتین لیک توره تمیشدیر. نوقطه نیشانه لرینی بو و یا باشقا
 شکیلده آرتیرماق یشی دؤلاشیق سالاجاقدیر. یوخاریدا قئید و لونان ملاحظات دان باشقا، چاپدا
 یوخ، ال یازمالاریندا لازیمی دیققله یکی نوقطه نی بیر - بیرین آلتیندا شاقولی قوئماق، ئله کی
 «ب، پ» و خونماستین، عملده و لاسی دئیل. بوندان علاوه «ی» حرفی نین آلتینا یکی شاقولی
 نوقطه قوئماق یوخاریدا شرح و ئردیشمیز سطر نظامینی بوزور.

ئیری گلمیشکن خاطیرلامالی دیر کی، ۱۳۵۸ - نجی یلدن ئعتیارن «آذربایجانجا - فارسجا
 سؤزلوک» - و ترتیب ثتمه یه باشلادیقدا، یلر بویو فیکریمی مشغول ئدن یملامسله سی، بیر داها
 آرتیق اهمیتله مطرح و لوندو. «سؤزلوک» - ده کلمه لر ئله یازیلمالی یدی کی، دؤز گؤن تلفوظ له
 و خونسون. و نا گؤره الیفبا و یملاقایدالاری باره سینده جیددی دؤشؤنمک لازیم یدی. من،
 سنز دیرجی علامتلی فارسی یازی ماشین لاریندا و لان علامتلردن سنجه ئی، الوئیشلی و لدوغونا
 گؤره، مصلحت گؤردؤم. «وارلیق» مجله سینین ۹ - ۱۰ - نجی نومره لرینده یاییلان مقاله دن
 سؤنرا، آقای دکتر زهابی نین پشنهاد ئدیشی «و، و» نیشانه لرینی یشتمه ئی قراره آلدیم.

۶ - صابت حرفلر باره سینده دئمک و لار کی، فارسی الیفباسی آذربایجان دبلینده کی
 سسلری یازماغا کفایت ئدیر. آنجاق عرب سؤزلرینده و لان «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ»
 حرفلری دلبمیزده یشلنمیر، بونلاری ساخلاما ضروری دئیل و یملانی آغیر وضعیتیه سالیر. و نا
 گؤره ده: «ت، ط» یئرینه یالئیز «ت»، «ث، ص، س» عوضینه فقط «س»، «ذ. ز. ض. ط» یئرینه
 «ز» و «ح، ه» یئرینه «ه، ه» یازماغی قراره آلدیم.

قایدا بیرلیینی نظره آلاراق تکرار قئید ثتمه لیدیر کی، آلتینما سؤزلر یسه بو قایدا یله
 یازیلما لیدیر.

- «ع» آلتیما لۇغت لرین بعضی لرینده، اصلینده ۇلدوغو کیمی دیلیمیزده تلفوظ ۇلور. بو جور کلمه لرده تلفوظه وئغون یازیلما لیدیر.

- «جرات، برات، نشه» کیمی عرب کلمه لرینده ۇلان همزه آذربایجانجا تلفوظ ده قالیر. «ه» نیشانه سی یازیمیزدا معین وظیفه داشیییر، بونا گۆره بو نوؤ کلمه لری «جورعت، براعت، نشه» یازماق یۆلیه مسله نی حل ئده یلریک.

- «و، ی» علامتی نچه مصۆتی گۆستریمک ۇچۆن پایه دیر، عینی حالدا «ؤ، و»، «ئای» صامیتی نی یازماق ۇچۆن یشله نیر. آقای دکتر زهنا بی پيشهاد تشدی تشدی الیفادا بونلار ی نیشانه سیز یازیر. بیز (ی / یکى، و / وزن) مصۆت لرین چۆخ یشلندی بی نی نظره آلاق، نیشانه سیز یازیلما سینی پيشهاد تشبیک. «ؤ، و، ئای» حرف لرینی نیشانه بله یازماغی نظره آلیریق. آقای دکتر نطقى بویکى صامیتی یازماق ۇچۆن، پایه علامت لرین ۇستۆنه (-) نیشانه سی قۇور: (و، ی). «ه» نیشانه سی یسپانجا نه معنا داشیدیق باشقا بیر مسله دیر. بو نیشانه یز لرده «مد» نیشانه سینی، معین صایت سسی نی یلما لیدیر. حالبوکی، «ئ» نیشانه سی صامیت حرف لره مخصوص ۇلان بیر نیشانه دیر. ۇنا گۆره یز «ؤ، و، ئای» حرف لرینی «ؤ»، «ئ، ی، ی»، «ئ» یازماغی پيشهاد تشدییرک.

- عربجه دن آلتیما کلمه نین تشدیدى ۇارسا ۇ بو تشدید آذربایجانجا یشله نیرسه، بیزجه تشدیدى ۇلان حرفی تکرار یازماق ۇلار، آجاق بعضی کلمه لرده معین حرفین تکرار یازیلما سی یاراشیق سیز ۇ کؤبود گۆزه ده یر؛ بله حاللاردا تشدید علامتی نی یشلتمک یاخشى راق دیر.

«آذربایجانجا - فارسجا سۆزلۆک» - ده پيشهاد ۇلونا الیفای عیار تدیر:

۱- آ. (کلمه نین اولینده، ۇرتاسیدا ۇ سۆنوندا همین شکیلده یازیلماق): آلمآ، آدام.

۲- ا. (کلمه نین هر یئرینده فتحه (-) سسی گۆستریمک ۇچۆن یازیلما لیدیر): بالاک (قونداق)، اسناک (خمیازه)، اداب (ادب).

۳- ئ، ش، ی. ع. (کسره (-) سسینی یازماق ۇچۆن کلمه نین هر یئرینده یشله جک): ئل (ایل)، تتر (زود)، ئۆلاد (اولاد)، بئهیشت (بهشت)، دی. ع.

۴- ب، ج، ب. ب.

۵- پ، پ، پ. پ.

۶- ت، ش، ت. (آلتیما لۇغت لرده «ط» یئرینه ده «ت» یازیلیر): تام (طعم)، تالابا (طلبه)، قاهات (قط)، هايات (حیات).

۷- ج، ج.

۸- ج، ج.

۹- ه، هه، هه. (گلمه لوغت لرين اصلينده «ح» يله يازيئلان كلمه لر آذربايجانجا يازي دا يالئيز بو حرف يله يازيئلاجاق): هاقق (حق)، مؤهارييا (محاربه)، مؤباه (مباح).
۱۰- خ. خ.

۱۱- د.

۱۲- ر.

۱۳- ز. (آئينما لوغت لرده «ذ، ض، ظ» عؤضينه ده «ز» يشلنه جگ): ز آبيت (ضابط)، زؤلوم (ظلم)، زئمين (ذهن).

۱۴- ژ.

۱۵- س، س، س (س، س). (اصلينده «ث، ص» يله يازيئلان آئينما سؤزلر يالئيز «س» يازيئلاجاق): سآيت (ثآيت)، سآد آغا (صدقه)، ماخسوس (مخصوص).

۱۶- ش، ش، ش (ث، ش).

۱۷- ع، عه، عه، ع. آئينما عرب لوغت لرينده يشلنه نن بو حرف، آذربايجانجا تلفؤظه ويغون و لاراق «آ، آه، و، و، و، و، ي» شكلينده يازيئلمايئدير: از آ (عزا)، وهدا (عهده)، وؤور (عمر)، آجيز (عاجز)، يآرات (عبارت)، وؤر (عذر).

آنجا ق يستيشنا حاللاردا اصلينده و لدوغو كيمي (عين) و «همزه» حرفلري ديلىميرده تلفؤظ و لونار كن بو حرف يله يازيئلاجاق: شمر، داعؤات، ثعيمآد، نشعه.

عريجه دن گلمه لوغت لرين سؤنوندا و لان (س) و تك ليكده يازيئلان (ع) علامتلىرى آذربايجانجا تلفؤظه دؤشور و و نلار ي يازماغا ئحيثاج گؤرؤنمؤر: جام (جمع)، يدا آ (ابداع).

۱۸- غ، غه، غه، غ. (آئينما كلمه لرين اولينده و لان «غ»، آذربايجانجا «ق» تلفؤظ و لور و «ق» دا يازيئلمايئدير: قاقيل (غافل).

۱۹- ف، ف، ف.

۲۰- ق، ق، ق.

۲۱- ك، ك، ك.

۲۲- گ، گ، گ.

۲۳- ل، ل، ل.

۲۴- م، م.

۲۵- ن، ن، ن.

۲۶- و. وئرماك، ئو، وؤ، وؤز (عضو)، و آخت (وقت).

۲۷- و. وجوز، وستا (استاد)، آهو.

۲۸- و. وچ، قزۇملۇك، ۇسول (اصول).

٢٩- و. وتآق، ود، آلو، كول.

۳۰- ۋ. ۋالىچىۋ، ۋمۇر (عمر).

۳۱- ی، یش، یث، یائی، قتیجی، کیفایت (کفایت).

۳۲۔ ب، پ، ی۔ پیگید، دیل، کبشی، کیسا (کبہ)،، مادانی (مدنی) یجآد (ایجاد)۔

۳۳- ی، یے، ئی، بالیق، تانری، آغبیل (عقل)، ساریمساق، قیفیل (قفل)، نارازی

(ناراضی).

بشله لېكلكه اليغا ۹ صايت و ۲۴ صايت سس لردن عيارت ولوركي، ديلمیزده بشله نن بوتون سس لری يفاده نده ییلر.

يازى قايدالارينا گلدېكدە، دىمك لازىمدىكى، يازى قايدالارنى تەيىن ئەدەركەن كۆتەلە ۋە ساۋاسىزلار ۋە ۋىرنىچى لىر نەزەدە توتۇلمايدىر. ۋەنا گۆرەدە يازى قايدالارنى سادە، آيدىن، تام ۋە ۋەلدوچقا يىتىنسىز ۋەلمايدىر.

بىلاقايدالارنى، آذربايجانجا سۆزلر ۋە آلبىما لۇغتلىرى بارەسىندە يېڭى ئانئىچە مۇختىلف بۆلمە ئەنئىرىماق، دىلېمىزىن بىستىقلال، شىخسىيەت ۋە خۇسۇسىيەتنى ئامىن ئىتىمىر، ئارىئىمىزدا ۋە ئان بۇزغون ۋە دۇلاشئىق ۋەسىيەتنى كۆكۆندىن حل ئىلەمىر.

آقای دکتر زهتابی یازدر: «آذری لشمیش فارس و عرب کلمه لرینین اوتلینجی سسلی حرفی نین علامتینی قۇئماق ضروری دیر.... هله دیلمیزین قانونلاريله هماهنگ و لمایش فارس و عرب کلمه لرینی چۇخ ئشده، و لدوغو کیمی یازماق لازیمدیر» و «فارس و عرب کلمه لرینین نغجه یازیلماسی آیری بیر بحث دیر»۔ دتیه رک مسله نی آچتیق بوراخیق.

آقای دکتر نطقی نین نظرىنجه، «... بو يکى جهنى نظره آلاق ورتادا، هله ليک، بير حلقه چاره سى، ئادا بير «حد- و سطر» قورمولونه جاتديق: آلتما سوزلرين عوموميتنه يلك هئجالارئين اصل لرينده کى کىمى يازماق و و بير هئجالارئين يازىلشيني تلفوظوموزه تابىع قىلماق... داها متعدد يىستىنلار و لدوغو و چون حقا بو «ورتا قورمول» بير چوخ تعديلاتا و غراما قدادير».

بىرىنچى نەزىرىيە ئالغىز اولىنچى سىسلى علامىن قۇئماق ۋ يىكىنچى نەزىرىيە عىكىسە اولىنچى سىسلى علامى اصلىندە ۋلدوغو كىمى ساخلاماق ۋ بىرى ەنجالار ئى تلقۇظە ويغون بازماغى تۇۋىسە ئدىر.

يازى قايدالار ئىمىزى پۇزغون حالا سالان اساسن آئينما سۆزلىرىن يىملاسى دېر. عرب كىلمە لىرىن تام اكثرىتى فارس دىلى واسيطە سىلە دىلىمىزە گىرىپ ۋ كىلمە لىرىن فارسى يىملاسى

ۆستۆن دۆر. بوجۆر کلمه لرین بیر پاراسی آذری تلفۇظ ده ئله ده ئیشلیب کی، ۋنلاری آذربایجانجا دئییلیش کیمی یازماقدان باشقا چاره یۆخدور. بیر پاراسی سیندیرئلیب یازیلیر، یستەر شکیل تغیری بیرینجی ۋ یا ۋ بیرى هنجالاریندا ۋلسون. بئله بیر گئدیش آرتماقدادیر. بیر عیدده سی ده ده ئیشیمیز یازیلیر. بو سۆن بۆلۆمه یکى نۆۋلۆغت داخیل دیر: الف) «آهو، آرزو» کیمی لۆغت لركى، آذربایجانجا ۋ فارسجا دئییلیشى بیردیر ۋ یازی لاری دا بیر ۋلور؛ ب) «خط» ۋ بو کیمی لۆغت لركى، دئییلیشى هر یکى دیلده بیردیر، آنجاق یختیصاصی عرب حرفی یله آذربایجان یازیستیدا گئیرمک چتین لیک ۋ یازی قایدالارینین جۆر به جۆرلینى تۆره دیر.

اصلینده مسله نى بئله مطرح ئتمک ۋلار: آذری لشمیش آلتیما لۆغتی نئچه تعریف لمک ۋلار؟ اگر سس قورولوشو اساس گۆتۆرۈلۆرسه، بو صورتده دئمک ۋلار کی، آلتیما سۆزلر دیلیمیزین قانونلارنا تام ۋیغونلاشیب یا دانیشیقدا اصلی قالییی دیلیمیزین تاثیرى نئجه سینده سئنیب ۋ یاخود دیلیمیزه ۋیغون ۋلدوغو ۋچۆن ده ئیشمز قالیشدیر. باشقا سۆزله، آلتیما کلمه لرده دیلیمیزین عۆصۇۋدۆر ۋ باشقا آذری سۆزلر کیمی بۆتۆن سسلر یازیلمالییدیر. نییه عربی ۋ فارسى دا یازیلان «ظلم» کلمه سى (ۋ یۆزلرجه بوجۆر کلمه لری) سیندیرئلیب «ظولۆم» شکیلده یازیلیر، ۋلى «زۆلۆم» یازما یاق؟ نییه «ظارافات» یازیلیر ۋ «زارافات» یازمیر ۋ نه دلیله گۆره «حیرص لئمک» یازیلیر؟ آيا «احتیراص» یازماقلا دئمک یسته ئیریک کی، بو کلمه عرب «حرص» کلمه سیندن آلتیشیدیر؟ معنا باشقالیغینی نئجه تۆجه ئده یلریک؟ ۋ س.

یملانی قاتیشدیران ۋ چتین لشدیریب مۆختلیف شکیلده یازماغا یمکان ۋئرن مسله لر دن بیرى ده «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ» یعنی بیر سس ۋئرن ۋ نئجه حرفله یازیلان صامیت لردیر. بونلاری الیفبامیزدان سیلمه نه آئیدینجا نظریه سۆئلنمیشدیر.

آذربایجان دیلی نین آهنگدارلیغی ۋ قانونا ۋیغونلوغو ئله گۆجلۆ ۋ یستیناسیز دیر کی، خۆصوصبله خالق دانیشیقیندا، هر آلتیما سۆزۈۋز قالیشا سالیر ۋ ۆستۆنلۆۋۆتۆ یبات ئدیر. ۋنا گۆره ده بیر اصیل دیل ۋلاراق، دیلیمیزین طلباتینا ۋ طبعینه ۋیغون الیفبامیز ۋ ۋاحید یازی قایدالاریمیز ۋلما لیدیر. بونا اساسن دیلیمیزده یشله نن بۆتۆن لۆغت لره، یستەر آذری، یستهرسه آلتیما کلمه، ۋاحید یازی قایدالاریمیزا تابع ۋلما لیدرلار.

بیر داها خاطرلاییرئق کی، ۋتای یملا قایدالاریندان مۇطلق تقلید چیلیک دۆز گۆن دئیل: (ستکان، ستول، ستر آتزی...) یۆخ، تلفۇظ ئندییمیز کیمی «یستیکان، وستول، یستراتزی...» یازمالی یئق. (آۋتومویل، آۋتوبوس، تئلئویزور...) یۆخ، (ۋتومویل، ۋتوبوس، تئلئویزون...) گرک یازیلسین. جۇغرافی، تاریخی ۋ خۆصوصی آدلاری بوتای دا دئییلدییی کیمی

تازمالی ئیق: «پاریز، یسۇنچره، کیر، پلاتون...» یوخ، (باریس، سۆویس، کوروش، افلاتون...) «تازئیلما لیدیر. علمی - ادبی یسطیلاح لارین وئائی دا یشله ن شکیل لری ییزیم وچون تائیمماز دیر: (قرامما تیکا، آنتونیم، سینونیم، زؤؤلوزی، ورتوقراف...) کیمی لؤغت لرنئرینه، اگر آذربایجانجا تائی لاری یوخدور، فارسی دا یشله ن یفاده لری یشلتمه ئی مصلحت گورورؤک. وئائی دا مۆرگب و ئاشکیلچی تایشان کلمه لری معین قاندا ورزه، ایفبالارینا وئغون وئاراق، بیر باشا و بیتیشیک و بیر کلمه شکیلنده یازیرلار. (فارسی دا دا بیر معنی یفاده ئدن مۆرگب لؤغت لری بیتیشیک یازانلار وادیر: همنام، خوشمزه، هماهنگ...) بیز وئائی کیمی بیر باشا و بیتیشیک یازا یلمیریک، هم ایفبامیز یجازه وئریم و بعض کؤبود و کؤندم سیز ولور: آجیسئوت (آجئ یسنی وئ)، کئنجیجی (کئجی جی). مۆرگب سؤزلرین بیتیشیک و ئاشئیدیرئلیب یازئیلما سئیدا اصل بو دور کی، لؤغئین معناسی قورونسون، کلمه نین یازئیلیشی و وئوماغی آسانراق ولسون، یازی کؤبود شکیل آلماسین.

بواصلی نظره آئاراق پئشنهاد وئور کی، مۆرگب سؤزلرین حیصه لری آئرئ - آئرئ لاکین بیر - بیرنه ئاخئین (فاصله سیز) یازئیلئین، مثن «آدام» کلمه سینده حرفلر آئرئ - آئرئ ولی بیر - بیرنه ئاخئین یازئیلدئغی کیمی: (تک هؤجئیره لی لر) بیر مۆرگب لؤغت کیمی فاصله سیز یازئیلئر، لاکین «تک هؤجئیره» فاصله یله یازئیلدئقدا باشقا معنا وئریر؛ «آلتی آئلئق» یوخ، «آلتی آئلئق» مۆرگب کلمه لری آئرئ - آئرئ ولی بیر - بیرنه ئاخئین یازماق، یازی دا گئئیش بئکان و بئعطاف یارادیر، بو یؤل یله حتا مۆرگب فعل لری ده یازماق معنالی دیر.

شکیلچی لر آذربایجان دیلینده بؤئوک رؤل وئئائیلئر و گئئیش یشله نیر. وئدوقجا شکیل چیلری کؤک دن آئرئ لاکین فاصله سیز یازماق مۇناسیب دیر: آخئجئ یوخ، آخئ جئ؛ یشله مک یشلمک یوخ، یش لمک؛ قارشئلاشدیرئلما سئیدان یوخ، قارشئ لاشدیرئلما سئیدان؛ قازانئین یوخ، قازانئ نئ؛ پئشین یوخ، یشئین...

مۇعاصیر یازی دا قئسا یازی یملانئین گئئیش ئائیلماقدا وئان بیر قؤل سائیلئر (تئلکس و کامیؤئترده وئدوغو کیمی). شکیل چیلر دیلمیزین قئسا یازئیلیشئیدا بؤئوک رؤل وئئائا یلر. - قئسا جیز گئ دئ یسنیفاده ئتمک وئار: «منطیقه» کلمه سینى «منطق - ه» شکیلنده یازماق، معین لؤغئین باشقا معنالی لؤغه وئشارلینئتا یؤل وئریمز.

البته، پئشنهاد وئونان ایفبا یله یازارکن، صایت لرین هامیسئ یازئیلدئغی، چؤخلارئ نئین وؤؤدن سؤنرا گلن حرفه ئایشمما سئ مۆرگب لؤغت لری و ئاشکیل چئ قبول ئدن کلمه لری، طبعی وئاراق سئیدیراجاق. لاکین بیر اصل وئاراق پئشنهاد وئور کی، مۆرگب کلمه لری تشکیل

ئىدىن كېلىمەلەر آتيرى - آتيرى ۋلى بىر - بىرىنە ئاخىن ئازىلىسىن؛ شكىل چى يە كۆك لىر آتيرى
آمما فاصىلە سىز ئازىلىسىن؛ لازىم گىلدېكىدە سۇنلوق لاصىلى كىلمە آراسىنىدا قىسا جىزگى دن
يىتىفادە ۋلونسون. البتە، لۇغىتىن كۆبۇد گۆرۈنمەك شىرطى يە بونلارنى يىتىشېك ئازماق ۋلار.

- پىشناد ۋلور: تىۋىنى گۆستىرىمك ۋچۆن «ا» ئازماق عۆشىنە «ان» ئازىلىسىن.

- آلىشما لۇغىتىلر سۇنۇندا تىشدىلى تىلفۇظ ۋلونان كىلمەلەر تىشدىلە ئازىلىسىن: ضد/ ضىد،
حسن/ حىس...

- بىللى دىركى، «ۋاۋ مەدولە» - نىن آذربايجان ئازىلىشىدا ئىرى ۋلا يىلمز: خواه، يۇخ، خآه؛
خواب، يۇخ، خآب... ئازىلىمايىدۇر.

- «علېدە» كىمى آلىشما لۇغىتىلر «آلاھىدە» ئازىلىمايىدۇر.

- مۆرگىب سىلىلر تىزىشە ۋلوب ئازىلىسىن: حىرت/ ھىترات، ذوق/ زۇۇق، گىرو/ گىرۋۇ،
پىادە/ پىشادآ، كىفەت/ كىتەپىيات.

- خۇصوصى آدلارنى يىملاسى بارە شىندە فېكىرلىشىمك لازىمىدۇر. بىزجە، خۇصوصى آدلار
يسە تىلفۇظ ۋلدوقلارنى كىمى عۆمومى يىملا قايدا اساسىندا ئازىلارسا، ۋاحىد يىملا قايدالارنى رىعاىت
ۋلاجاقدۇر. آنباق فارسى شكىلىندە (سىجىل لىرىندە ۋلان شكىلدە) ئازىلارسا بىكى دۆرمۇغىرىزە []
- آراسىنىدا ئازماقلا مېشخىس ۋلار كى، بو آد فارسى يىملاسى يە ئازىلىمىشدىر: گۆل نىسآ [گل نساء]
ماھمود [محمود]، تاغى [تغى]، ئابرىز [تبريز]...

يۇخارىدا ۋتىرىل ئازىلىش قايدالارنى آشاغىداكى اصللەر اساسلاندىر:

- دىلىمىزىن بىصالت، شىخىسىنى نى نظره آلاق، ۋنون طىيىتىنە ۋ طلباتىنا ۋىغون قايدالار

بىرەلى سۆرۈلۈپ؛

- «ملفوظ ۋ مەكۇب» - ون بىر - بىرىلە ۋىغونلۇغو تآمىن ۋلونوب؛

- بۆتۈن سىلر ئازىلىمىسى ۋ ئازىلانلارنى ۋخونماستىن بىمكان يارانىپ؛

- سۆزلر دىلىمىزدە دىتىلىدىشى كىمى ئازىلىر؛

- ھر حرف (بىشارە بىلە بىرلىكىدە) ئالنىز بىر سىسى نىشان ۋتىرىر؛

- يىملا قايدالارنى سادەلىك ۋ آسانلىق شىرطلر ئىن نظره آلاق، ۋلدوقجا يىتىشاسىز قايدالار

ھالىتىدا تىظىم ۋلونوبدور؛

- يىملا ۋاحىد قايدانا مالېك دىر ۋ آلىشما سۆزلرىسە ھامان قايدا ۋرزە ئازىلىر؛

- ئالنىز نىچە جىلسە عىرضىندە آذربايجانجا ئازماق ۋ ۋخوماغى ۋتىرىمك مۆمكۈندۇر. ۋتائى دا

آسانلىقتا بو الېفبانى ۋتىرە نە يىلرلر.

چاغیرئش

دیلبیمیزین قانون و قایدالارینا و یغون و لاراق، واحید البقا و یملاقایدالارئی ئاراتماق مقصدیله، بندیکی قارئیشیق و بۇرغون، هر کیم، نه جۇر یسته دیشی کیمی ئازماغا سۇن قۇئماق وچۇن،

ئازئیش و دئیش و یغونلوغونو حیاته کئچیرمک یۇلۇندا،

دیلبیمیزین هۇیت و منلیلی یئنی قۇروماق خاطیرنه،

هامی آذربایجان دیلینه علاتمندلردن، آذربایجان دیلچی لریندن، ئازئیچیلارئندان، مطبوعاتئندان دعۇت و لونور البقا و ئازئ قایدالارئی باره سینده و ز باخیش لارئئی و یشهادلارئئی ئازسیتلار.

بو گۇنکۇ شرایطی نظره آلاراق، آذربایجانجا یتیشار تاپان مطبوعاتین بو مسله ده بۇتۇک تاریخی و طبغه لری وار و بو هدفلری یئرینه یئتیرمک وچۇن جیددی آددیملار گۇتۇرۇب، قاباقچیل و لمالیدئرلار.

یشهاد و لور:

۱ - آذربایجانجا یتیشار تاپان مطبوعات ئازئیچیلارئئین نۇماینده لری یشیراکی یله معین کۇمیته تشکیل تاپسین، آردئیچیل و لاراق بو مسله نین یجراستیا باشلاستلار.

۲ - مطبوعات یئتیمیز و ز آرالارئندا راضی لاشسینلار کی، روزنامه و درگی لرینده معین صفحه ئازئ قایدالارئنا یختیصاص و ئریب، مۇختلیف نظریه لری گئیش صورتده چاپ ئتسینلر.

۳ - کۇمیته آلتی آئی عرضینده صلاحیت لی اشخاص دان و صاحب نظرلردن بیر قورولتائی چاغیرسین.

۴ - قورولتائین دستورجلسه و آئین نامه سی قاباقجادان مطبوعاتدا مۇذاکیره یه قۇیولسون.

۵ - قورولتائی تشریفاتی ییر یئتینچاق یۇخ، بلکه اساسی بحث لردن سۇنرا، بش کۇمیته لرین تشکیل و ئره جک و وچ آئی دان سۇنرا یئنی یجلاستندا، کۇمیته لرین گۇزاریش لرینی مۇذاکیره یه قۇیوب و قرارلار چیخاراجاق، لازئم گلدیکده یئتینچاغی تجدید ئده جکدیر.

۶ - قورولتائی دا یشتیراک ئده نلر، خۇصوصیله مطبوعات نۇماینده لری تمهۇد ئتمه لیدیرلر کی، قورولتائین تام اکثریت (۲/۳) رائی یله ئازئ باره سینده تصویب و لان قرارلارئ یجرا ئتسینلر. البته هر کیمسه و ز خۇصوصی نظرینی تبلیغ ئده بیلر، لاکین ئازئ لاردا قورولتائی قرارلارئئی یجرا ئتمه لیدیر.

